

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع نشست:

نقش شهید آیت الله العظمی خامنه‌ای (قدس الله نفسه الزکیه) در حفظ

و تثبیت نهاد انتخابات در جمهوری اسلامی

(بازخوانی سیره نظری و عملی قائد شهید امت اسلامی در حفظ و پاسداری از نهاد انتخابات در ایران)

باحضور:

آقای دکتر محسن اسلامی (دبیر و سخنگوی ستاد انتخابات کشور و عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس)

آقای دکتر محمدباقر خرمشاد (عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی (ره))

آقای دکتر ابراهیم برزگر (عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی (ره))

آقای دکتر ابراهیم سرپرست سادات (عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی (ره))

۲ اردیبهشت ۱۴۰۵

فهرست

۶	آقای دکتر خرمشاد.....
۶	نقش و جایگاه مردم در اندیشه امام شهید امت اسلامی.....
۶	قانون اساسی: میثاق مردم سالاری دینی و تجلی اندیشه امام شهید.....
۷	مردم در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.....
۷	قانون اساسی و تجربه تاریخی ملت ایران.....
۸	بسامد و ترکیبات واژگان «مردم» و «ملت» در قانون اساسی.....
۹	تحلیل واژگان «مردم» و «ملت» در حقوق و حاکمیت قانون اساسی.....
۱۰	مسئولیت نمایندگی و همکاری ملی:.....
۱۰	مشروعیت و پذیرش رهبری:.....
۱۰	انتخاب و نظارت بر ارکان نظام:.....
۱۰	سوگندنامه‌ها و تعهدات:.....
۱۰	حقوق عمومی و بنیادین:.....
۱۱	ارتش مکتبی و مردمی و سازوکار رسیدگی به شکایات.....
۱۱	«مردم» در قانون اساسی: از انقلاب تا نهادینگی در نظام سیاسی ایران.....
۱۲	مردم سالاری دینی در قانون اساسی: نهادینگی مشارکت مردمی.....
۱۲	سه سطح مشارکت مردمی پس از انقلاب.....
۱۳	بسیج توده‌ای مردم؛ ابزاری برای مقابله با فشارهای ضدانقلاب.....
۱۳	نقش مشارکت تظاهراتی در خنثی سازی بحران‌های داخلی.....
۱۴	نقش مشارکت تظاهراتی در مقابله با فشارهای خارجی.....
۱۴	تحول در نحوه مواجهه با مشارکت تظاهراتی.....
۱۵	ماهیت و نقش سازمان بسیج مستضعفین.....
۱۵	پیوند بسیج و سپاه.....
۱۵	مشارکت انتخاباتی.....
۱۶	پافشاری بر استمرار و صیانت انتخابات.....
۱۶	صیانت از آراء مردم.....
۱۶	آقای دکتر برزگر.....
۱۶	روش بررسی دیدگاه امام شهید پیرامون انتخابات.....

۱۶.....	لزوم تلفیق گفتار، نوشتار و سیره عملی امام شهید.....
۱۷.....	تبیین جایگاه انتخابات در چارچوب جعبه‌ابزار صراطی بر اساس ادبیات امام شهید.....
۱۷.....	تبیین سطح انتزاع بحث در نظام جمهوری اسلامی ایران.....
۱۷.....	انتخابات، سازوکار عملی رأی مردم.....
۱۸.....	پیوستگی اراده مردم و خدا در اندیشه امام شهید.....
۱۸.....	انتخابات در قالب سیاست دوستی.....
۱۹.....	رقابت انتخاباتی به مثابه سبقت‌گیری ممدوح.....
۱۹.....	رقابت مثبت انتخاباتی در اندیشه امام خمینی (ره) و امام شهید.....
۱۹.....	تأکید بر رقابت سالم و اخلاقی انتخاباتی.....
۲۰.....	تأکید بر مشارکت حداکثری و به‌گزینی.....
۲۰.....	آگاهی مردم شرط تحقق خروجی مطلوب انتخابات.....
۲۰.....	طراحی مکانیسم نظارت استصحابی توسط امام شهید برای حفظ نهاد انتخابات.....
۲۰.....	نقش شورای نگهبان در تسهیل مشارکت مردمی و رفع فلج تصمیم‌گیری.....
۲۱.....	راهکارهای کسب آگاهی انتخاباتی.....
۲۱.....	انتخابات؛ حق و تکلیف شرعی.....
۲۱.....	انتخابات به مثابه حق تعیین سرنوشت و سازوکار حل اختلافات.....
۲۱.....	تمایز اندیشه امام شهید با برخی فقها در مسئله تکلیف و نتیجه انتخابات.....
۲۲.....	تعبیر «شب قدر سیاست» برای روز انتخابات.....
۲۲.....	توشه راه در انتخابات؛ تولید قدرت و امنیت برای کشور.....
۲۳.....	پیامدهای راهبردی مشارکت انتخاباتی.....
۲۳.....	ارتباط انتخابات با کارآمدی نظام.....
۲۳.....	نقش انتخابات در رشد و بلوغ سیاسی مردم.....
۲۴.....	تبیین چگونگی نقش انتخابات در رشد و بلوغ فکری بر اساس نظریه هانا آرنست.....
۲۴.....	نهادینه‌سازی انتخابات در ایران نیازمند الهیات سیاسی شیعه.....
۲۴.....	کارآمدی الهیات سیاسی شیعه در گفتمان‌سازی انتخاباتی توسط امام شهید.....
۲۵.....	تلفیق نظریه و عمل سیاسی معجزه‌آسای امام شهید.....
۲۵.....	ضرورت کاربست ادبیات دینی در نهادینه‌سازی انتخابات در جامعه مذهبی.....
۲۵.....	نقش محوری مردم‌سالاری دینی و امام شهید در نهادینه‌سازی انتخابات پس از انقلاب.....

۲۶	آقای دکتر اسلامی
۲۶	نگاه عمیق امام شهید به نقش محوری مردم در انقلاب و نظام
۲۶	اصالت احترام به مردم
۲۶	تداوم نگاه اصیل امام به مردم؛ از نقش‌آفرینی پیش از انقلاب تا آخرین سخن
۲۷	چگالی کلام در اندیشه یک ایدئولوگ
۲۷	تداوم رویکرد امام؛ مردم، پیش‌برنده مملکت و ادامه‌دهنده انقلاب
۲۸	نهادسازی به سبک انقلاب اسلامی
۲۸	درک عمیق امام شهید از جایگاه مردم
۲۸	ادبیات غنی امام در حوزه انتخابات
۲۹	نقش مردم در انتخاب رهبر
۲۹	تداوم روش؛ مردم، فصل مشترک همه تحولات
۳۰	نهادینه‌سازی انتخابات در اندیشه امام شهید
۳۰	عدالت انتخاباتی در اندیشه امام شهید
۳۰	شفافیت انتخاباتی
۳۱	اخلاق انتخاباتی
۳۱	فرهنگ انتخاباتی
۳۱	مشارکت انتخاباتی
۳۱	قوانین انتخاباتی
۳۱	نهادینه‌سازی انتخابات
۳۱	چهار رویکرد امام شهید در انتخابات ۱۴۰۲
۳۲	نقش جمهوری اسلامی در نهادینه‌سازی انتخابات
۳۲	سلامت انتخابات در کلام امام شهید
۳۲	انتخابات؛ تجلی‌گاه استقلال و آزادی در اندیشه امام شهید
۳۳	انتخابات؛ عرصه خدمت نه کسب قدرت
۳۳	انتخابات؛ ابزار قدرت، اقتدار و اعتبار ملی از نگاه امام شهید
۳۳	انتخابات؛ عرصه ظهور وحدت عقلانیت و شعور ملی
۳۳	انتقال نسلی و گردش نخبگانی؛ دو هدف راهبردی انتخابات در اندیشه امام شهید
۳۴	تبیین نگاه عمیق امام شهید به مردم

۳۴	آقای دکتر سرپرست سادات.....
۳۴	امانت الهی و حق الناس؛ فراتر از استعاره، بنیانی برای نظریه پردازی سیاسی.....
۳۴	امانت بودن رأی مردم و تبعات فقهی آن.....
۳۵	از امانت در اسلام تا خیانت در نظم امروز جهانی.....
۳۶	امانت الهی بودن رأی مردم.....
۳۶	حکومت، امانتی الهی؛ نگاهی به مبانی کلامی در اندیشه امام شهید.....
۳۶	فقیه عادل؛ امانت دار حاکمیت در غیبت.....
۳۷	امانت رأی مردم؛ نقطه عطف حقوق سیاسی ایران.....
۳۷	حکومت؛ امانت مردمی.....
۳۸	اعطای مسئولیت؛ اعطای امانت در جمهوری اسلامی ایران.....
۳۸	دعوت به مشارکت حداکثری.....
۳۸	تقویت نهادهای انتخاباتی در سیره امام شهید.....
۳۸	هدایت های انتخاباتی امام شهید.....
۳۹	صیانت از رأی مردم در بزنگاه های تاریخی.....
۳۹	تکثر سیاسی و رقابت؛ بستر تحقق معنادار انتخابات و حق رأی مردم.....
۳۹	تعادل و پویایی نظام سیاسی در اندیشه امام شهید.....
۴۰	مردم سالاری دینی؛ بستر وفاق و سرمایه اجتماعی.....
۴۰	احکام امام شهید؛ تجلی بهره گیری از جریان های مختلف سیاسی.....
۴۰	دعوت همگانی به انتخابات.....
۴۰	دفاع از حق مشارکت سیاسی زنان.....
۴۱	اجرای قانون اساسی؛ مبنای عمل امام شهید.....
۴۱	جایگاه انتخابی ولایت فقیه.....
۴۱	اجتهاد پویا و تثبیت نهادهای انتخاباتی؛ تأیید فرضیه امانت شرعی رأی مردم.....

نقش و جایگاه مردم در اندیشه امام شهید امت اسلامی

به عنوان مقدمه، لازم می‌دانم گفتاری را مطرح کنم که بتواند نقش ورود به بحث را ایفا کرده و زمینه‌ساز تکمیل سخن از سوی دیگر صاحب‌نظران باشد.

با طرح عنوان «نقش و جایگاه مردم در اندیشه امام شهید»، ذهن انسان ناخودآگاه به سوی این نکته معطوف می‌شود که باید با توجه به جایگاه ایشان، هم به عنوان رهبر انقلاب اسلامی و هم رهبر جمهوری اسلامی ایران، به نگاه انقلاب اسلامی نسبت به «مردم» توجه کرد. انقلاب اسلامی از آغاز، نگرش ویژه‌ای به مردم داشته است. این نگرش، یعنی درک نقش و جایگاه مردم در انقلاب اسلامی که امام شهید نیز رهبر آن بودند، در نهایت به پیدایش متنی منجر شد که امروز از آن با عنوان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یاد می‌کنیم. در حقیقت، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ترجمان مکتوب و عینی انقلاب اسلامی است؛ بدین معنا که آرمان‌ها، وعده‌ها و مقاصدی که در جریان انقلاب اسلامی دنبال می‌شد، پس از فروکش کردن فضای انقلابی و پایان حضور خیابانی مردم، در قالب یک متن رسمی و مدون تبلور یافت. آنچه در انقلاب اسلامی مورد نظر و خواست ملت بود، در نهایت به صورت یک سند بنیادین و حقوقی با عنوان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تثبیت شد.

قانون اساسی: میثاق مردم‌سالاری دینی و تجلی اندیشه امام شهید

باید توجه داشت که مستحکم‌ترین سند تولیدشده پس از انقلاب اسلامی چیزی جز قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیست. این قانون، نه تنها پایه و راهنمای عمل نظام سیاسی برخاسته از انقلاب است، بلکه مبنای روشمند و رسمی برای سامان‌دهی حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود؛ همان نظامی که امام شهید، رهبری آن را بر عهده داشتند.

بر همین اساس، در قالب متن مکتوب قانون اساسی است که امام شهید جمهوری اسلامی ایران بر پایه همین میثاق ملی، نقش و جایگاه مردم را تعریف، بازتعریف، بازآفرینی و بازتولید می‌کنند. در واقع، قانون اساسی بستری است که از درون آن، اندیشه مردم‌محور امام شهید در سطوح مختلف نظام جمهوری اسلامی نهادینه می‌شود و ماهیت مردمی انقلاب را از شعار و آرمان، به ساختار و نظام حقوقی تبدیل می‌کند.

مردم در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

با عنایت به مباحث پیشین، مناسب‌ترین رویکرد برای ورود به بحث، بررسی جایگاه «مردم» در خود قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. پرداختن به این موضوع، مسیری منطقی و معقول برای درک عمیق‌تر پیوندهای نظری و عملی میان مردم، رهبری و نظام سیاسی فراهم می‌آورد.

بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که واژه «مردم» و مشتقات آن، از جمله «ملت»، در همان ابتدای متن قانون اساسی، به ویژه در مقدمه، حضوری پررنگ دارند. در جمله دوم از پاراگراف اول مقدمه قانون اساسی، چنین آمده است:

«ماهیت انقلاب عظیم اسلامی ایران و روند مبارزه مردم مسلمان از ابتدا تا پیروزی که در شعارهای قاطع و کوبنده همه قشرهای مردم تبلور می‌یافت، این خواست اساسی را مشخص کرده و اکنون در طلیعه این پیروزی بزرگ، ملت با تمام وجود نیل به آن را می‌طلبد.»

این عبارت به‌روشنی بیانگر آن است که انقلاب اسلامی، ریشه در اراده و مبارزات «مردم مسلمان» داشته و این خواست، در شعارهای «همه قشرهای مردم» تجلی یافته است. سپس، با پیروزی انقلاب، «ملت» با قید «مسلمان» و اشاره به «همه قشرهای مردم»، به طور هم‌زمان، این اراده را برای رسیدن به اهداف انقلاب طلب می‌کند. این تکرار و تأکید بر واژه «مردم» و «ملت» در نخستین بندهای قانون اساسی، حاکی از جایگاه بنیادین جمهوریت و مردمی بودن نظام جمهوری اسلامی ایران از منظر بنیان‌گذاران آن است.

قانون اساسی و تجربه تاریخی ملت ایران

در ادامه مقدمه قانون اساسی، در جمله دوم از پاراگراف دوم، به یک تجربه تاریخی مهم اشاره می‌شود که در شکل‌گیری درک ملت از مسیر مبارزات نقش داشته است:

«ملت مسلمان ایران پس از گذر از نهضت ضد استبدادی مشروطه و نهضت ضد استعماری ملی شدن نفت به این تجربه گرانبار دست یافت که علت اساسی و مشخص عدم موفقیت این نهضت‌ها مکتبی نبودن مبارزات بوده است.» این جمله، با تأکید بر واژه «ملت مسلمان ایران»، پیوند تاریخی مبارزات مردم با مفاهیم مکتبی و ایدئولوژیک را برجسته می‌کند. اشاره به نهضت مشروطه و ملی شدن نفت، نشان‌دهنده درکی است که ملت ایران از مسیر مبارزات خود، به دست آورده؛ مبنی بر اینکه غیبت رویکرد مکتبی، عامل اصلی عدم موفقیت نهضت‌های پیشین بوده است. این تجربه، سنگ بنای درک جدیدی از مبارزه و پیروزی در انقلاب اسلامی محسوب می‌شود.

در بررسی مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مشخص گردید که در این بخش، مجموعاً چهار بار به کلیدواژه‌های «مردم» و «ملت» اشاره شده است. به طور دقیق‌تر، واژه «مردم» یک بار در عبارت «مردم مسلمان» و واژه «ملت» نیز یک بار در عبارت «ملت مسلمان» به کار رفته است. این موارد در مقدمه قانون اساسی ثبت شده‌اند.

بسامد و ترکیبات واژگان «مردم» و «ملت» در قانون اساسی

بررسی جامع قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که واژگان کلیدی مرتبط با مفهوم اجتماع و شهروندان، بسامد قابل توجهی دارند. بر اساس شمارش صورت گرفته، واژه «مردم» یازده بار، واژه «ملت» سیزده بار و واژه «امت» (که می‌تواند به مفهوم مشابهی اطلاق شود) دو بار در متن قانون اساسی به کار رفته است. علاوه بر این، دو عبارت «همه افراد اجتماع» و «تمامی عناصر اجتماع» که می‌توانند به عنوان مترادف یا مفاهیم نزدیک به «مردم» و «ملت» در نظر گرفته شوند، هر کدام یک بار در قانون اساسی یافت شده‌اند.

با تجمیع این موارد، در متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که متنی مختصر محسوب می‌شود، مجموعاً بیست و هشت بار به واژگان «ملت»، «مردم»، «امت» یا عبارات مترادف آن‌ها اشاره شده است که نشان‌دهنده پربسامد بودن این مفاهیم در این متن کوتاه است.

همچنین، ترکیباتی که واژه «مردم» و «ملت» یا واژگان هم‌معنای آن‌ها در قانون اساسی در آن‌ها به کار رفته‌اند، عبارتند از: «وجدان بیدار ملت»، «نهضت اخیر ملت ایران»، «حرکت یکپارچه ملت»، «امت اسلامی»، «ملت مسلمان»، «خشم انقلابی مردم»، «مردم مسلمان»، «خشم مردم»، «ملت برآشفته»، «انفجار خشم مردم»، «حرکت مردم»، «فداکاری ملت»، «ملت ایران»، «ملتی هم‌کیش و هم‌فکر»، «ملت ما»، «سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان»، «تمامی عناصر اجتماع»، «همه افراد اجتماع»، «از طرف مردم»، «به عنوان رهبر» و «گروه‌های مختلف مردم». این ترکیبات نشان‌دهنده کاربرد متنوع و گسترده این واژگان در بیان مفاهیم سیاسی، اجتماعی و هویتی در قانون اساسی است.

بازبینی دقیق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، با در نظر گرفتن موارد تکرار در اصول مختلف، بسامد واژگان کلیدی مرتبط با مفهوم اجتماع و شهروندان را روشن‌تر می‌سازد. بر اساس این تحلیل، واژه «مردم» در مجموع هفده بار در متن قانون اساسی به کار رفته است که این تعداد، آن را در صدر واژگان «ملت» (سیزده بار)، «امت» (دو بار) و سایر گزاره‌های مشابه قرار می‌دهد. با احتساب این موارد، در مجموع ۳۲ بار به واژگان «مردم»، «ملت»، «امت» یا عبارات مترادف آن‌ها اشاره شده است. از این میان، هفده مورد به طور مشخص

واژه «مردم» است که شامل ترکیباتی مانند «مردم مسلمان» نیز می‌شود. این ارقام نشان‌دهنده تأکید ویژه بر مفهوم «مردم» به عنوان محور اصلی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است.

تحلیل واژگان «مردم» و «ملت» در حقوق و حاکمیت قانون اساسی

بررسی دقیق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، با استناد به متن اصول و فصول مختلف، الگوی پراکندگی و بسامد واژگان کلیدی «مردم»، «ملت» و مفاهیم هم‌راستای آن‌ها را آشکار می‌سازد. این واژگان نه تنها به صورت کلی بسامد بالایی دارند، بلکه در اصول متعددی از قانون اساسی، به ویژه در بخش‌های مربوط به حقوق ملت، حاکمیت ملی و اصول بنیادین نظام، حضوری پررنگ دارند.

نکات کلیدی بر اساس اصول ذکر شده:

- **حضور اولیه و بنیادین:** واژه «ملت» در اصل اول (ملت ایران) و «مردم» در اصل سوم (عامه مردم) به عنوان مفاهیم بنیادین نظام معرفی شده‌اند.
- **امر به معروف و نهی از منکر:** اصل هشتم که به امر به معروف و نهی از منکر می‌پردازد، سه بار از واژه «مردم» استفاده کرده است: «امر به معروف مردم نسبت به یکدیگر»، «دولت نسبت به مردم» و «مردم نسبت به دولت».
- **حقوق ملت و افراد:** اصل پانزدهم (مردم ایران) و اصل نوزدهم (مردم ایران) به صراحت به هویت ملی اشاره دارند. همچنین، فصل سوم با عنوان «حقوق ملت» شامل بیست و چهار اصل است. اصول سی و چهارم و سی و دوم نیز بر «همه افراد ملت» و «همه افراد ملت» تأکید دارند.
- **حاکمیت ملت:** فصل پنجم با عنوان «حق حاکمیت ملت» که شامل شش اصل است، به طور مکرر بر این مفهوم تأکید می‌کند. اصل پنجاه و ششم بیان می‌دارد که ملت این حق خداداد را اعمال می‌کند و در اصل پنجاه و نهم به «مراجعه مستقیم به آرای مردم» اشاره شده است.
- **نماینده‌گی و سوگندنامه:** اصل شصت و دوم مجلس شورای اسلامی را «از نمایندگان ملت» می‌داند. در اصل شصت و هفتم، سوگندنامه نمایندگان مجلس شورای اسلامی پنج بار به واژگان «ملت» و «مردم» اشاره دارد: «نگهبان دستاوردهای انقلاب اسلامی ملت ایران»، «ودیع‌ای که ملت به ما سپرده»، «خدمت به مردم»، «آزادی مردم» و «تأمین مصالح آن‌ها». این نشان‌دهنده پیوند عمیق میان نمایندگان و مردم/ملت در ساختار حکومتی است.

مسئولیت نمایندگی و همکاری ملی:

- اصل هشتاد و چهارم: هر نماینده «در برابر تمام ملت» مسئول است که نشان‌دهنده پاسخگویی نمایندگان به کل ملت است.

- فصل هفتم (شوراها) و اصل یکصدم: تأکید بر «همکاری مردم» در اداره امور محلی و منطقه‌ای از طریق شوراها.

مشروعیت و پذیرش رهبری:

- اصل صد و هفتم: مرجعیت و رهبری «ملت» از طریق «اکثریت قاطع مردم» شناخته و پذیرفته شده است. تعیین رهبر به عهده «خبرگان منتخب مردم» است که مشروعیت رهبری را مستقیماً به اراده مردم پیوند می‌زند.

انتخاب و نظارت بر ارکان نظام:

- اصل صد و دهم (بند ۹): رهبری، حکم ریاست جمهوری را پس از انتخاب «مردم» امضا می‌کند.
- اصل صد و چهاردهم: رئیس جمهور با «رأی مستقیم مردم» انتخاب می‌شود.

سوگندنامه‌ها و تعهدات:

- سوگندنامه نمایندگان مجلس (اصل ۶۷): ۵ بار تکرار واژگان «ملت» و «مردم» (۳ بار ملت، ۲ بار مردم)، تأکید بر حفظ دستاوردها، خدمت، آزادی و حقوق ملت و مردم.
- سوگندنامه رئیس جمهور (اصل ۱۲۱): ۵ بار تکرار واژگان «ملت» و «مردم» (۴ بار ملت، ۱ بار مردم)، شامل سوگند به «ملت ایران»، خدمت به «مردم»، حمایت از آزادی و حقوق «ملت»، حفظ امانت سپرده شده توسط «ملت» و سپردن آن به «منتخب ملت».

حقوق عمومی و بنیادین:

- اصل اول: ملت ایران.
- اصل سوم: عامه مردم.
- اصل هشتم: سه بار تکرار «مردم» در بحث امر به معروف و نهی از منکر (مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم، مردم نسبت به دولت).
- اصل پانزدهم و نوزدهم: مردم ایران.

- فصل سوم (حقوق ملت): شامل ۲۴ اصل.

- اصول ۳۲ و ۳۴: «همه افراد ملت».

- فصل پنجم (حق حاکمیت ملت): ۶ اصل با تأکید بر حاکمیت ملت.

- اصل ۵۶: ملت حق خداداد را اعمال می‌کند.

- اصل ۵۹: مراجعه مستقیم به آرای «مردم».

در اینجا نیز مشاهده می‌کنیم که چهار بار واژه «ملت» و یک بار واژه «مردم» به کار رفته است. بدین ترتیب، مجموعاً پنج بار این واژگان تکرار شده‌اند. در آن سوگندنامه نیز -اگر اشتباه نکرده باشم- پنج بار این عبارت تکرار شد. در اینجا نیز همین گونه است.

ارتش مکتبی و مردمی و سازوکار رسیدگی به شکایات

اصل یکصد و چهل و چهارم:

این اصل تصریح می‌کند: «ارتش جمهوری اسلامی ایران باید ارتشی اسلامی باشد که ارتشی مکتبی و مردمی است.» این عبارت، هویت ارتش را نه تنها اسلامی و مکتبی، بلکه «مردمی» نیز تعریف می‌کند. این ویژگی مردمی، در هر شرایطی، از جمله در خلال وقایع میدانی و عملیاتی، باید مد نظر باشد و ارتش را به عنوان نیرویی برخاسته از مردم و در خدمت آنان معرفی نماید.

اصل یکصد و هفتاد و سوم:

این اصل، سازوکار رسیدگی به خواسته‌های مردم را مشخص می‌سازد: «به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا ...» این بخش از قانون، بر حق مردم برای پیگیری و رسیدگی به اعتراضات خود نسبت به عملکرد مأموران دولتی یا نحوه اجرای وظایفشان تأکید دارد و نقش مردم را به عنوان صاحبان حق و پیگیران عدالت برجسته می‌سازد.

«مردم» در قانون اساسی: از انقلاب تا نهادینگی در نظام سیاسی ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، با تکرار قابل توجه واژگان کلیدی مانند «مردم»، «ملت» و «امت» (که در مجموع ۳۲ بار تکرار شده و ۱۷ بار از آن به طور مشخص «مردم» بوده است)، جایگاه محوری «مردم» را در نظام سیاسی این کشور نهادینه کرده است. این نهادینگی، تحولی را از «مردم انقلابی» به «مردم به مثابه نهاد» در ساختار نظام سیاسی نشان می‌دهد.

همان‌طور که در مقدمه قانون اساسی نیز به آن اشاره شده، مردمی که نقشی بی‌بدیل و تعیین‌کننده در پیروزی انقلاب اسلامی ایفا کردند، اکنون از طریق قانون اساسی به یک «نهاد» در نظام سیاسی تبدیل شده‌اند. این بدان معناست که حضور، مشارکت و اراده مردم، دیگر صرفاً یک پدیده انقلابی و مقطعی نیست، بلکه به عنصری ساختاری و دائمی در چهارچوب قانون اساسی و نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران تبدیل گشته است. این تبدیل، بیانگر رسمیت یافتن نقش مردم به عنوان منشأ مشروعیت، طرف پاسخگویی نهادها و ذی‌نفع حقوق اساسی در این نظام است.

مردم‌سالاری دینی در قانون اساسی: نهادینگی مشارکت مردمی

مفهوم «مردم‌سالاری دینی» در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، با تأکید بر سالاری مردم، از طریق تکرار واژگان «مردم» و «ملت» در سراسر این قانون، به شکلی برجسته نمایان می‌شود. این قانون اساسی، مشارکت تظاهراتی مردم در انقلاب را نهادینه کرده و آن را به مشارکتی سازمان‌یافته و انتخاباتی در چهارچوب نظام سیاسی تبدیل نموده است.

این رویکرد، با اندیشه «نقش و جایگاه مردم در اندیشه امام شهید» هم‌راستا بوده و مردم را به عنوان محور اصلی مشروعیت و تصمیم‌گیری در نظام جمهوری اسلامی ایران معرفی می‌کند. بدین ترتیب، قانون اساسی بستری را فراهم می‌آورد تا اراده و خواست مردم، در قالبی مدون و قانونی، در فرآیندهای سیاسی کشور تجلی یابد.

بسط این مفهوم نشان می‌دهد که انقلاب اسلامی ایران، اساساً انقلابی «مردم‌پایه» بوده است. این رویکرد مردمی، نه تنها در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب نقش کلیدی ایفا کرد، بلکه پس از پیروزی نیز، به عنوان پایه‌ای برای استمرار نظام و نهادینگی مشارکت مردمی در چهارچوب قانون اساسی مدنظر قرار گرفت.

سه سطح مشارکت مردمی پس از انقلاب

انقلاب اسلامی ایران، به عنوان یک پدیده «مردم‌پایه»، بر نقش بنیادین مردم در استمرار نظام سیاسی پس از پیروزی نیز تکیه کرده است. این نقش‌آفرینی مردمی، در سه گونه متمایز، تداوم یافته و در رویدادهایی همچون «جنگ رمضان» نیز آشکارا مشاهده می‌شود:

۱. مشارکت تظاهراتی: بسیج توده‌ای مردم

این سطح از مشارکت، با عنوان «بسیج توده‌ای مردم» یا «بسیج تظاهراتی مردم»، به حضور گسترده و خودجوش مردمی در صحنه اشاره دارد.

۲. مشارکت انتخاباتی: بسیج انتخاباتی یا بسیج مدنی مردم

این سطح، با عنوان «بسیج انتخاباتی» یا «بسیج مدنی مردم»، ناظر به مشارکت سازمان‌یافته در فرآیندهای انتخاباتی است.

۳. مشارکت سازمان‌یافته: بسیج سازمانی، نظامی-اجتماعی یا اجتماعی-نظامی مردم

این سطح که با عناوینی چون «بسیج سازمانی»، «بسیج نظامی-اجتماعی مردم» یا «بسیج اجتماعی-نظامی مردم» شناخته می‌شود، به نقش‌آفرینی در قالب ساختارها و سازمان‌های مشخص اطلاق می‌گردد.

این سه سطح از مشارکت، بیانگر تداوم و تکامل نقش مردم در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب است.

بسیج توده‌ای مردم: ابزاری برای مقابله با فشارهای ضدانقلاب

یکی از مهم‌ترین ابزارهای انقلاب اسلامی در مقابله با فشارهای داخلی که از سوی نیروهای ضدانقلاب، از ابتدای انقلاب تا به امروز، اعمال شده است، «مشارکت تظاهراتی» یا «بسیج توده‌ای مردم» بوده است. این فشارها از سوی طیف‌های گوناگونی همچون سلطنت‌طلبان، گروه‌های چپ (مارکسیستی، مائوئیستی، لنینیستی) و انواع راست لیبرال (به ویژه با وابستگی خارجی) صورت گرفته است. در مقاطع مختلف و در لحظات بسیار حساس، این «بسیج تظاهراتی مردم» بوده که توانسته است با خنثی‌سازی فشارهای ضدانقلاب، نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کند. این سازوکار مردمی، به عنوان یک نیروی بازدارنده و مقابله‌گر، همواره در برابر تلاش‌ها برای برهم زدن ثبات و امنیت داخلی به کار گرفته شده است.

نقش مشارکت تظاهراتی در خنثی‌سازی بحران‌های داخلی

مشارکت تظاهراتی مردم، به عنوان ابزاری کلیدی در مقابله با بحران‌های داخلی، در مقاطع مختلف نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کرده است:

- وقایع ۱۸ تیر ۱۳۷۸: این رویدادها با حضور و مشارکت تظاهراتی مردم در ۲۱ تیر همان سال، مدیریت و مهار شد.
- فتنه ۱۳۸۸: پس از گذشت چندین ماه از آغاز اعتراضات، حماسه نهم دی ۱۳۸۸، با تجلی مشارکت تظاهراتی مردم، به عنوان نماد خنثی‌سازی این فتنه شناخته می‌شود.

- ناآرامی‌های دی ۱۴۰۴ (۱۸-۱۹ دی): این وقایع با حضور گسترده مردمی در ۲۲ دی همان سال، کنترل و رفع گردید.

- اعتراضات اخیر (جنگ رمضان): حضور خیابانی و بسیج مشارکت تظاهراتی مردم به مدت پنجاه شب، در کنترل و رفع ناآرامی‌ها نقش ایفا کرد.

نقش مشارکت تظاهراتی در مقابله با فشارهای خارجی

«مشارکت تظاهراتی» نه تنها در برابر فشارهای داخلی، بلکه در مقابله با فشارهای خارجی، به ویژه از سوی قدرت‌های بزرگ مانند ایالات متحده آمریکا، غرب و رژیم اشغالگر صهیونیستی، نیز نقشی حیاتی ایفا کرده است. در مواقعی که این فشارهای خارجی به اوج خود می‌رسد و به نظر می‌رسد که شرایط بسیار حساس و شکننده شده است، حضور گسترده و یکپارچه مردم در تظاهراتی مانند ۲۲ بهمن (سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی) یا روز جهانی قدس، مانند ریختن آبی بر آتش عمل کرده و به فروکش کردن تنش‌ها و خنثی‌سازی اثرات فشارهای خارجی کمک شایانی نموده است. این حضور مردمی، نمادی از اتحاد و انسجام ملی در برابر تهدیدات خارجی است.

تحول در نحوه مواجهه با مشارکت تظاهراتی

در گذشته، تظاهراتی مانند ۲۲ بهمن، نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش فشارهای خارجی ایفا می‌کرد. پس از برگزاری این راهپیمایی‌ها، معمولاً دوره‌هایی از سکوت و کاهش تنش‌های بیرونی حاکم می‌شد و انقلاب اسلامی فرصتی برای نفس کشیدن و تثبیت موقعیت خود پیدا می‌کرد.

اما در سال‌های اخیر، شاهد تغییری در این روند هستیم:

- **افزایش جسارت در برابر فشارهای خارجی:** قدرت‌های خارجی و مخالفان، جسارت بیشتری در اعمال فشار نشان داده‌اند.

- **تلاش برای زیر سؤال بردن اصالت تظاهرات:** به جای پذیرش اهمیت و اصالت این حضور مردمی، تلاش می‌شود تا با القاء مسائلی مانند «دولتی بودن» یا «سازماندهی شده بودن» تظاهرات (مثلاً با تعبیری چون «درخت» یا «ساندیس‌خور»)، اصل ماجرا نادیده گرفته شود.

- **ایجاد ضد جنبش:** در صورت امکان، تلاش می‌شود تا با تولید و سازماندهی یک «ضد حرکت» یا جنبش مخالف، اثرگذاری تظاهرات مردمی خنثی گردد.

این تغییر رویکرد، اهمیت «مشارکت تظاهراتی» را دوچندان می‌کند، زیرا نشان می‌دهد که این ابزار همچنان برای حفظ انسجام و مقابله با فشارهای داخلی و خارجی، از اهمیت بالایی برخوردار است، هرچند که با چالش‌های جدیدی در نحوه بازنمایی و تأثیرگذاری آن روبرو هستیم.

ماهیت و نقش سازمان بسیج مستضعفین

در کنار مشارکت تظاهراتی، مشارکت سازمان‌یافته -یا به عبارت دیگر مشارکت یا بسیج سازمانی مردم- وجود دارد که همان سازمان بسیج مستضعفین است. این نهاد در واقع کاملاً یک تشکیلات مردم‌پایه است؛ یک تشکیلات مردم‌نهاد یا نهاد مردم‌پایه است. سازمان بسیج مستضعفین در سال یک هزار و سیصد و پنجاه و هشت به مثابه سازمان تشکیل شد؛ یعنی همان مشارکت توده‌ای مردم که در قالب انقلاب اسلامی نقش خود را ایفا کرده بود، به عنوان نقش اول نهادینه شد و بخشی از آن مردم سازمان یافتند. امام(ره) فرمودند: «مملکتی که بیست میلیون جوان دارد، بیست میلیون بسیجی باید داشته باشد».

پیوند بسیج و سپاه

از زمانی که سازمان بسیج به سپاه واگذار شد، بحث بر سر این بود که آیا این تشکیلات باید جزو سپاه یا ارتش باشد. خود سپاه نیز در آن زمان سازمانی تازه‌تأسیس، نوپا و انقلابی بود. ارتباط‌گیری میان بسیج و سپاه سبب شد مردمی بودن و انقلابی بودن بسیج سامان یابد؛ به طوری که در هر دو نهاد ایدئولوژی، رهبری و سازمان به صورت هم‌پوشان قرار گرفتند و مشارکت مردم در قالب یک سازمان اجتماعی-نظامی تبدیل به سازمانی با ماهیت و مأموریت انقلابی برای حفظ و پشتیبانی از انقلاب گردید، همان‌گونه که سپاه نیز چنین مأموریتی داشت. این پیوند در واقع نوعی «سپاه پلاس» پدید آورد و کاملاً مردم‌پایه بود. اگر این بسیج وجود نداشت، ما هرگز نمی‌توانستیم در برابر فشار و تهاجم رژیم بعث مقاومت کنیم، آن‌ها را پس بزنیم و حقوق خود را احقاق نماییم.

مشارکت انتخاباتی

پس از آن، مشارکت انتخاباتی مطرح می‌شود که موضوع بحث ماست. مشارکت انتخاباتی، همان‌طور که از نامش پیداست، به مشارکت مردم از طریق بسیج انتخاباتی یا بسیج مدنی اطلاق می‌شود. این امر به روشنی در قانون اساسی بیان شده و مربوط به اصل ششم است که مقرر می‌دارد: «در جمهوری اسلامی ایران کشور باید به اتکای آراء عمومی اداره شود؛ از راه انتخابات -از جمله انتخابات رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراهای و نظایر این‌ها- یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد».

پافشاری بر استمرار و صیانت انتخابات

حضرت امام خمینی(ره) و نیز امام شهید(قدس الله نفسه الزکیه) بر اجرای این اصل و وفاداری به آن حتی در بدترین و بحرانی‌ترین شرایط اصرار داشتند. در دوران جنگ تحمیلی هشت‌ساله که بخش اعظم رهبری حضرت امام(ره) را تشکیل می‌داد و سپس در دوران رهبری امام شهید ما که در نزدیک به چهل سال تداوم یافت، بار دیگر در سخت‌ترین شرایط که کیان انتخابات در معرض هر نوع تهدیدی قرار می‌گرفت، ایشان تأکید داشتند که انتخابات به صورت منظم حتی در بحرانی‌ترین شرایط قابل تصور برگزار شود و آنچه از صندوق بیرون می‌آمد را خود، به عنوان رهبر انقلاب اسلامی، موظف به صیانت و حفاظت می‌دانستند.

صیانت از آراء مردم

ایشان در صیانت از آراء مردم تردید نداشتند؛ چه زمانی که نتایج صندوق‌ها نشان‌دهنده پیروزی خاتمی و روحانی بود و چه در مواردی که نامزدهایی مانند احمدی‌نژاد و رئیسی از صندوق‌ها بیرون آمده بودند، تفاوتی قائل نمی‌شدند. حفظ و صیانت از آرائی که از صندوق‌ها به دست می‌آمد را از وظایف اصلی و اساسی رهبری می‌دانستند و روشن است که برای این امر هزینه‌های بسیاری متحمل شدند؛ این هزینه‌ها هرگز اندک نبود.

آقای دکتر برزگر

روش بررسی دیدگاه امام شهید پیرامون انتخابات

در این ارتباط، ابتدا روش کار را بیان می‌کنم. به نظر می‌رسد برای ارائه مطلوب این بحث، باید هم از گفتار امام شهید(قدس الله نفسه الزکیه) و هم از سیره عملی ایشان استفاده کنیم. گفتار ایشان شامل بخش‌هایی است که در دوره‌های مختلف درباره انتخابات صحبت کرده‌اند و این موضوع بخشی از موادی است که می‌توانیم برای بررسی این عنوان از آن بهره ببریم.

بخش دیگر، سیره عملی ایشان است؛ یعنی مواردی که ایشان عملاً به انجام رسانده‌اند. به عنوان مثال، خاطرات ناگفته‌ای که دفتر و نزدیکان ایشان از آن اطلاع دارند و عموم مردم از آن بی‌اطلاع هستند، اموری که در پشت صحنه‌ها اتفاق افتاده است. یا برای نمونه، عمل ایشان در تمام انتخابات که تقریباً در همان دقایق ابتدایی شروع رأی‌گیری، برای شرکت در انتخابات حاضر می‌شدند و رأی می‌دادند.

لزوم تلفیق گفتار، نوشتار و سیره عملی امام شهید

بدین ترتیب، می‌بایست از ترکیب گفتار، نوشتار و سیره عملی ایشان بهره گرفته شود. در این زمینه، به نظر می‌رسد مداخله دفتر حفظ و نشر آثار در بخش سیره عملی امری بسیار ضروری است. همچنین لازم است از افراد کهنسالی که خاطرات ارزشمندی در این حوزه دارند، هرچه سریع‌تر نسبت به مستندسازی

خاطرات ایشان اقدام گردد؛ چه آنکه احتمال دارد این افراد دار فانی را وداع گویند و بدین‌سان، این خاطرات که گنجینه‌هایی گران‌بها محسوب می‌شوند، با خود به همراه ببرند.

تبیین جایگاه انتخابات در چارچوب جعبه‌ابزار صراطی بر اساس ادبیات امام شهید

ما به این روش آشنا هستیم که همه چیز و تمامی پرسش‌ها را به همان سامانه پاسخ می‌دهیم و آن همان جعبه‌ابزار صراطی است. اگر بخواهیم بحث انتخابات را نیز توضیح دهیم، با همان جعبه‌ابزار صراطی توضیح می‌دهم.

در ادبیات امام شهید، انتخابات سازوکاری است که در قالب «مسابقه بزرگ انتخابات» یا «رقابت انتخاباتی» تعریف شده است. همچنین واژه «رقابت» و همچنین واژه «مسابقه» از زیرمجموعه‌های صراط محسوب می‌شوند. انتخابات، مطابق با مباحثی که اشاره شد، قالبی است که می‌خواهد بر اساس روش‌شناسی امتدادی (که باز اصطلاحی صراطی است) بحث انتزاعی نقش مردم را در یک سازوکار سازمانی عملیاتی کرده و زمینی نماید؛ بدین معنا که آن بحث آسمانی، انتزاعی و فلسفی را زمینی می‌کند.

تبیین سطح انتزاع بحث در نظام جمهوری اسلامی ایران

سطح انتزاع بحث بدین شرح است که در جمهوری اسلامی، هم جمهوریت وجود دارد، هم اسلامیت وجود دارد، هم مشروعیت الهی وجود دارد و هم مشروعیت مردمی وجود دارد. مشروعیت الهی شرط لازم برای تصدی مناصب در جمهوری اسلامی است که دارای معیارهای خاصی می‌باشد و آن معیارها در شرع مقدس ذکر شده است.

چنانچه افرادی که معیارهای مذکور در شرع مقدس را دارا باشند، تعدادشان بی‌شمار باشد، در آن صورت این افراد که دارای کفایت صلاحیت‌ها هستند، در معرض انتخاب مردم قرار می‌گیرند. در آن لحظه، مشروعیت مردمی به عنوان شرط کافی مصداق پیدا می‌کند و هر شخصی که بتواند این رأی را کسب نماید، تصدی مناصب را در موقعیت‌های گوناگون از جمله نمایندگی مجلس، ریاست جمهوری، خبرگان و سایر مسئولیت‌ها بر عهده خواهد گرفت.

انتخابات، سازوکار عملی رأی مردم

پس «انتخابات» سازوکاری برای امتداد دادن مباحث فلسفه سیاسی مبتنی بر رأی مردم در نظام اسلامی به صورت عملی و عملیاتی است. این موضوع پیش‌تر حتی در داستان امیرالمؤمنین علیه‌السلام نیز وجود داشته است. آنگاه که به امام علی علیه‌السلام نقد می‌زدند که فقط اهالی مدینه به شما رأی داده‌اند - در حالی که در آن زمان امپراتوری اسلامی بسیار گسترده بود و مردم سایر مناطق به امام علی رأی نداده بودند - در آنجا امام

علی می‌فرمود: «فَلَا سَبِيلَ إِلَى ذَلِكَ»؛ یعنی مکانیسم و سازوکار عملی برای این کار وجود ندارد. پرسش این بود که مردم چگونه از اقصی نقاط امپراتوری بیایند و به ایشان رأی دهند. این مطلب نشان می‌دهد که امام علی علیه‌السلام منطق انتخابات را پذیرفته بودند و فقط در آن دوره می‌فرمودند که ما فناوری آن را نداریم و سازوکار عملی‌اش را نداریم. اکنون در این دوره، سازوکار عملی وجود دارد و در جمهوری اسلامی تجلی پیدا کرده است. این مطلب نکته‌ای قابل تأمل است.

پیوستگی اراده مردم و خدا در اندیشه امام شهید

نکته دوم این است که انتخابات در ادبیات رهبر شهید باید در قالب پیوستگی بین اراده مردم و اراده خدا فهمیده شود. در مقام سیاست‌سازی، اگر قرار باشد سیاست‌ها تحقق عینی و عملی پیدا کنند، بدون نقش مردم نمی‌شود و بدون اراده مردم نمی‌شود.

عبارتی از امام خمینی (ره) در قضیه برکناری بنی‌صدر وجود دارد. ایشان به مردم فرمودند: «به خیابان‌ها بیایید، تظاهرات کنید که بی شما هیچ‌کس هیچ کاری نمی‌تواند بکند». بسیار عجیب است که این امام که در اوج توحید افعالی بوده، این‌گونه به مردم نگاه می‌کند که بدون شما هیچ‌کس هیچ کاری نمی‌تواند بکند.

در جای دیگر تعبیر امام (ره) این است که پشت سر اراده مردم، اراده خداست؛ یعنی وقتی مردم چیزی را اراده کردند، آن کار تحقق پیدا می‌کند. وقتی مردم در موضوعی همراهی کردند، خدا هم در آن همراهی می‌کند و هوش هستی، ابر، باد، مه، خورشید و فلک نیز در خدمت این قضیه می‌آیند و در واقع ناشدنی‌ها با مردم شدن می‌شوند؛ بنابراین «مردم» در لحظه به لحظه سیاست‌سازی امام کبیر (ره) و امام شهید (قدس‌الله نفسه‌الزکیه) حضور دارند. لازم به ذکر است که برای هر کدام از این بحث‌ها می‌توان شواهد و عبارات بسیاری ارائه داد.

انتخابات در قالب سیاست دوستی

نکته سوم این است که انتخابات در قالب سیاست دوستی معنا پیدا می‌کند. زمانی که صحبت از انتخابات می‌شود، ما سیاست را در «رکن همراهان» مورد بحث قرار می‌دهیم. رکن همراهان به این معناست که مردم مسلمان ایرانی سیاست خود را در آن قلمرو مطرح می‌کنند. در مقابل، «رکن ضد همراهان» قرار دارد که شامل حرکت‌های مخالف جهت حرکت ملت ایران می‌شود؛ یعنی دشمنان. آنان نیز سیاست دشمنان را دنبال می‌کنند. در اینجا منظور از دوستان، همان همراهان است. بدین ترتیب، انتخابات در سیاست دوستان معنا پیدا می‌کند.

رقابت انتخاباتی به مثابه سبقت‌گیری ممدوح

به عبارت دیگر، در میان خود مردم ایران، در دو بخش انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان، رقابتی درمی‌گیرد. رقابت میان انتخاب‌کنندگان که عامه مردم هستند و در آن سطح، درگیری به اصطلاح در حد متوسط و میانه است و رقابت میان انتخاب‌شوندگان که خواص هستند و سطح درگیری در آن حداکثری می‌باشد. در چنین قالبی است که انتخابات به منزله رقابت، به منزله مسابقه و به منزله سبقت‌گیری ممدوح و اخلاقی مطرح می‌شود.

همان‌گونه که مستحضرید، در برخی موارد سبقت‌گیری منفی است؛ مانند سبقت‌جویی در مال و اموال و آنجا که کیک ارزش‌ها محدود است؛ اما در مواردی دیگر سبقت‌گیری مثبت است؛ مانند سبقت گرفتن در کسب تقوا. یا آیه شریفه «وَجَعَلْنَا لِلْمُؤْمِنِينَ إِمَامًا» به این معنا که از خدا می‌خواهیم در مسابقه میان خود مؤمنان، از دیگری پیشی بگیریم و امام آن دیگران شویم.

رقابت مثبت انتخاباتی در اندیشه امام خمینی (ره) و امام شهید

بدین ترتیب، در ادبیات امام خمینی (ره) و امام شهید (قدس الله نفسه الزکیه) این‌گونه سبقت‌گیری ممدوح و مورد ستایش قرار گرفته است. رقابت، رقابتی مثبت است که در آن نامزدهای انتخاباتی یعنی انتخاب‌شوندگان بکوشند رأی و نظر مردم را به سوی خود جلب کنند و بتوانند آرای اکثریت را به دست آورند. منتها طبیعتاً این رقابت میان انتخاب‌شوندگان و نامزدهای انتخاباتی و خواص، به رقابت میان انتخاب‌کنندگان یعنی هواداران نیز کشیده می‌شود. در همین جاست که بسیاری از توصیه‌های ایشان معطوف به هم انتخاب‌کنندگان و هم انتخاب‌شوندگان می‌گردد.

تأکید بر رقابت سالم و اخلاقی انتخاباتی

برای نمونه، ایشان به کاندیداها توصیه می‌کنند که برای جلب نظر مردم، تخلف نکنند، وعده‌های ناشدنی ندهند، دروغ نگویند و به هر حال از هر گونه کار خلاف برای جلب نظر مردم دوری کنند؛ بنابراین در این قسمت، مدخل بعدی تحت عنوان رقابت سالم مطرح می‌شود؛ رقابت سالم و اخلاقی.

در همین قالب، چه در رده مردم، چه در رده نامزدها و چه در رده برگزارکنندگان انتخابات، جا به جا تذکر داده می‌شود که انتخابات «حق الناس» و «امانت» است؛ صندوق‌های رأی امانت مردم هستند و نبایستی در امانت مردم خیانت کرد. حتی در عبارات آخر خودشان در انتخابات اخیر شهادت می‌دهند. ایشان می‌فرمایند: «من شهادت می‌دهم که در طول چند دهه گذشته، انتخاباتی که در ایران برگزار شده، تخلف تعیین‌کننده‌ای صورت نگرفته، تقلبی صورت نگرفته.» چون به هر حال بحث رقابت، همان‌گونه که در رقابت ورزشی شاهد

هستیم، دارای قواعد بازی، سلامت تیم داوری و سایر مباحث است و طبعاً در اینجا بر بحث رقابت سالم تأکید بسیاری شده است.

تأکید بر مشارکت حداکثری و به‌گزینی

نکته بعدی تشویق به «مشارکت حداکثری» است. اولاً ایشان می‌فرمایند که همه مردم شرکت کنند و تمهیداتی باید فراهم شود که همه مردم شرکت نمایند. ثانیاً توصیه دائمی ایشان این است که به‌گزینی صورت پذیرد؛ یعنی فرد «اصلح» انتخاب گردد. این مطلب نیز یکی از توصیه‌های ایشان در بحث انتخابات محسوب می‌شود. طبیعتاً در اینجا، معیارهایی را هم برای نامزدها به عنوان انتخاب شوندگان و هم برای انتخاب‌کنندگان ذکر فرموده‌اند.

آگاهی مردم شرط تحقق خروجی مطلوب انتخابات

وقتی مردم می‌خواهند انتخاب کنند، طبق جعبه‌ابزار صراطی، رکن اول «آگاهی» مردم است. اگر مردم در سیاست آگاه نباشند، در رفتار سیاسی مشارکت نمی‌کنند. به طور مثال، رابرت دال در بحث قواعد رفتار سیاسی، یکی از دلایل عدم مشارکت مردم در انتخابات را این‌گونه بیان می‌کند که مردم فکر می‌کنند سیاست امری تخصصی است و آگاهی لازم برای مشارکت و ورود در این بحث را ندارند؛ بنابراین شرکت نمی‌کنند. همچنین اگر بدون آگاهی کافی مشارکت نمایند، خروجی مورد انتظار از انتخابات حاصل نخواهد شد.

طراحی مکانیسم نظارت استصوابی توسط امام شهید برای حفظ نهاد انتخابات

در اینجا کاری که امام شهید (قدس‌الله نفسه‌الزکیه) در حفظ و تثبیت نهاد انتخابات انجام دادند، طراحی مکانیسم نظارت استصوابی در دوره ایشان بود. چون زمانی که صحبت از انتخابات می‌کنیم و مردم می‌خواهند رأی بدهند، طبیعتاً مردم نسبت به تک‌تک نامزدهای انتخاباتی، اولاً آگاهی لازم را ندارند. بسیاری از این اطلاعات محرمانه است یا کسب این اطلاعات خود نیازمند وقت‌گذاری می‌باشد و مردم نمی‌توانند کار خود را تعطیل کنند و بروند راجع به این افراد تحقیق نمایند.

نقش شورای نگهبان در تسهیل مشارکت مردمی و رفع فلج تصمیم‌گیری

بنابراین لازم است شورای نگهبان و نهادهای ذی‌ربط تسهیلاتی را برای انتخابات مردم فراهم کنند؛ به عبارت دیگر، از میان انبوه افراد ناشناخته که احیاناً ممکن است تخصص و شرایط لازم را برای انتخاب مثلاً نمایندگی مجلس نداشته باشند، یک صافی انتخاباتی طراحی شود تا مردم بدانند افرادی که شورای نگهبان تأیید کرده است، کف صلاحیت‌ها را دارند و حالا مردم باید از میان این‌ها بکشند که بهترین‌ها را انتخاب کنند. به این ترتیب، این سازوکار انتخاباتی در قالب نظارت استصوابی و تسهیلاتی، برای مردم در رکن آگاهی

- که ممکن است آنان را از مشارکت منصرف کند - تسهیلات فراهم می‌نماید و فلج تصمیم‌گیری و مشارکت نکردن در رفتار سیاسی را خنثی می‌کند.

راهکارهای کسب آگاهی انتخاباتی

ایشان نیز در همین رکن «بیداری و آگاهی» به مردم می‌فرمایند که بر مبنای آگاهی، به جستجوی شخصی خود اکتفا کنید. اگر به جمع‌بندی نرسیدید، از افراد آگاه یا از ارگان‌های آگاه استفاده کنید تا بتوانید در رفتار سیاسی مشارکت نمایید.

انتخابات؛ حق و تکلیف شرعی

در همین قسمت، امام شهید(قدس‌الله نفسه‌الزکیه) یکی از محورهای سخنان خود را به این موضوع اختصاص داده است که برای تشویق به مشارکت، انتخابات را هم «حق» و هم «تکلیف» می‌دانند. اولاً کسانی که آن را تکلیف شرعی می‌دانند، مانند عبارتی که امام خمینی(ره) در وصیت‌نامه ذکر کرده است که چه بسا مشارکت در انتخابات گناه کبیره باشد. این عبارت، انگیزه مذهبی افرادی را که با دغدغه دین و ایمان می‌خواهند در انتخابات شرکت کنند، تحریک می‌کند.

رکن این است که انتخابات تکلیف است؛ بنابراین چون تکلیف است، حسن فعلی می‌خواهد که شرکت نمایند و حسن فاعلی می‌خواهد که با قصد قربت شرکت کند و با نیت سبقت در کار خیر، در اسرع وقت آن کار و آن تکلیف را انجام دهند.

انتخابات به مثابه حق تعیین سرنوشت و سازوکار حل اختلافات

در بعد دیگر، انتخابات را هم «حق» می‌دانند. این نگاه بیشتر آن اقشاری را مخاطب قرار می‌دهد که به دنبال حق تعیین سرنوشت خود هستند؛ یعنی انتخابات به معنای سازوکاری برای اعمال سلیقه و نظر و نیز صندوقی برای حل اختلافاتی در نظر گرفته می‌شود که در یک بازه زمانی مثلاً چهارساله بین مردم ایجاد می‌شود. عبارت جالبی که ایشان در این قسمت به کار می‌برند این است که: «حتی اگر جمهوری اسلامی را قبول ندارید، بیاید رأی دهید. حتی اگر رهبری را قبول ندارید، بیاید رأی دهید». بسیار جالب است که در آن بحث گفتمانی، چتر گفتمانی را توسعه می‌دهند و می‌کوشند که مشارکت حداکثری را چه در قالب حق و چه در قالب تکلیف محقق کنند.

تمایز اندیشه امام شهید با برخی فقها در مسئله تکلیف و نتیجه انتخابات

یک کار جالب دیگری که به نظر من ایشان انجام داد، ایجاد فاصله‌گذاری بین اندیشه‌های فقهی خود و دیگران بود. ایشان معمای «تکلیف» و «نتیجه» را در بخش انتخابات مطرح می‌کردند. نگاهی در بین بعضی از

متدینین و برخی علما مانند آیت‌الله مصباح(ره) وجود داشت که می‌فرمودند برای نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری باید روی نامزد اصلح کار کنیم و به یک نامزد اصلح می‌رسیدند. حالا ممکن است این نامزد اصلح نتواند رأی بیاورد؛ اما ایشان با توجه به باور و اجتهاد خود می‌فرمودند که ما مکلف به تکلیف هستیم، نه مکلف به نتیجه؛ بنابراین اگر این نامزد مثلاً چهار میلیون رأی آورد، ما تکلیف خود را انجام داده‌ایم، در مقابل نامزد دیگری که رقیب است و بیست میلیون رأی آورده است.

در حالی که در ادبیات امام شهید(قدس‌الله نفسه‌الزکیه) جایی هست که می‌فرمایند در بحث انتخابات باید به «نتیجه» هم توجه کنیم. به این معنا که برای اطمینان از انجام «تکلیف»، رسیدن به «نتیجه» نیز یکی از ارکان است؛ یعنی باید در فرآیند انتخاباتی، آن نامزدی را انتخاب کنیم که بتواند بیست میلیون رأی بیاورد. اگر این ملاحظه نباشد، گویی تکلیف خود را انجام نداده‌ایم. به تعبیری، از «اصلح غیرمقبول» به «صالح مقبول» می‌رسیدند.

این نیز بحث جالبی است که در مباحث فنی انتخاباتی تحت عنوان سیاست‌گذاری انتخابات باید مدنظر باشد و باز همان عامه مردم و اکثریت مردم را مورد توجه قرار می‌دهد؛ بنابراین این نکته‌ای است که نقش ایشان در حفظ و تثبیت نهاد انتخابات در جمهوری اسلامی حقیقتاً گره‌گشا بود.

تعبیر «شب قدر سیاست» برای روز انتخابات

یک تعبیر دیگر در مورد انتخابات بر مبنای جعبه‌ابزار صراطی این است که «زمان» و «سرعت» یکی از ارکان است و ظاهراً تعبیر امام شهید(قدس‌الله نفسه‌الزکیه) این بود که از روز انتخابات تا شب انتخابات، «شب قدر» سیاست است. همان‌طور که شب قدر می‌تواند به اندازه هشتاد سال اثرگذاری و پیامد داشته باشد، انتخابات نیز در هر مقطع می‌تواند سرنوشت چهار سال جمهوری اسلامی را تعیین کند؛ یعنی روز انتخابات، مردم با انتخاب خود، گویی صد هزار تصمیم چهارساله آینده جمهوری اسلامی را رقم می‌زنند. لذا می‌توان تعبیر «شب قدر انتخابات» را به کار برد.

توشه راه در انتخابات؛ تولید قدرت و امنیت برای کشور

در جعبه‌ابزار صراطی، یکی از نکات «توشه راه» است. در هر راهی باید توشه راه فراهم کرد. همان‌گونه که یک ماشین باید بنزین داشته باشد و یک انسان باید غذا بخورد تا بتواند حرکت کند، توشه راه در انتخابات چیست؟

توشه راه در انتخابات، به طور پراکنده در ادبیات و فرمایشات ایشان، این‌گونه بیان شده است که انتخابات می‌تواند برای کشور تولید قدرت کند. متعاقب فردای انتخابات، اگر مشارکت بالایی صورت گرفته باشد، این

مردم با رأی دادن خود برای ایران «قدرت» تولید می‌کنند. در جای دیگر می‌فرمایند انتخابات برای ایران تولید «امنیت» می‌کند. گویی هر کس یک رأی می‌دهد، آن رأی مانند یک موشک و مانند یک سرباز می‌تواند در حفظ امنیت ایران نقش‌آفرینی داشته باشد و دشمنان را از حمله به ایران منصرف کند.

پیامدهای راهبردی مشارکت انتخاباتی

همان‌گونه که شاهد هستیم، هرگاه سیگنال‌های شکاف اجتماعی از ایران صادر می‌شود، طمع‌ورزی قدرت‌های خارجی برای تهاجم به ایران یا تحریم ایران تشدید می‌گردد. حوادث دی‌ماه ۱۴۰۴ نشان داد که چنین اتفاقی رخ داده است. همچنین قاعده‌ای که اصولاً در آمریکا وجود دارد این است که آمریکا به کشوری حمله می‌کند که مطلع شده باشد شکاف دولت-ملت در آن وجود دارد. در عراق، افغانستان و لیبی نیز همین‌گونه بود. در ایران نیز به طور مثال، حوادث دی‌ماه چنین کاری را انجام داد. یا در سال ۱۳۸۸، مباحث پس از انتخابات موجب شد که تحریم‌های شدیدی متعاقباً وضع شود؛ بنابراین انتخابات تولید «قدرت» می‌کند، انتخابات تولید «امنیت» می‌کند، انتخابات تولید «سرمایه اجتماعی» می‌کند، انتخابات تولید «اعتبار بین‌المللی» می‌کند و انتخابات موجب سست کردن تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران می‌شود. برای هر یک از گزاره‌هایی که ارائه می‌شود، شواهد و مؤیدات زیادی وجود دارد.

ارتباط انتخابات با کارآمدی نظام

انتخابات می‌تواند تولید کارآمدی کند. «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا». اگر مردم به خوبی انتخاب کنند و افراد کارآمد، قوی و کاردان را برگزینند، در آن بازه زمانی چهارساله، امور کشور به بهترین نحو اداره می‌شود؛ بنابراین انتخابات با «کارآمدی» ارتباط دارد.

نقش انتخابات در رشد و بلوغ سیاسی مردم

انتخابات و رأی دادن مردم موجب رشد و بلوغ فکری خود مردم خواهد شد. حتی اگر مردم در رأی دادن اشتباه هم بکنند، خود اشتباه کردن در رأی دادن، بخشی از فرآیند یادگیری اجتماعی محسوب می‌شود. برای مثال، در مورد امام خمینی (ره) در داستان بنی‌صدر، آیت‌الله منتظری و یا بازرگان، ایشان فرموده‌اند - و حتی قسم جلاله یاد کرده‌اند - که در این سه مورد مخالف بوده است، اما پس از اینکه مجلس خبرگان یا مردم انتخاب کردند، ایشان به آن رأی احترام گذاشتند.

این مطلب نشان می‌دهد که امام (ره) به مردم اجازه می‌داد در مواردی حتی اشتباه کنند. خود آن اشتباه، بخشی از فرآیند یادگیری اجتماعی است و یادگیری موجب رشد می‌شود. هنگامی که انسان یک بار اشتباه کرد، تجربه کسب می‌کند و این تجربه موجب می‌شود که افراد به رشد و بلوغ سیاسی برسند و به خودشکوفایی

سیاسی نائل آیند. در اینجاست که انتخابات می‌تواند چنین توشه‌ای را برای مردم فراهم کند؛ یعنی بصیرت‌افزایی ایجاد نماید.

تبیین چگونگی نقش انتخابات در رشد و بلوغ فکری بر اساس نظریه هانا آرنت
در اینجا توضیح کوتاهی ارائه می‌شود راجع به این قسمت آخر که چگونه انتخابات می‌تواند رشد و بلوغ فکری ایجاد کند. این بحث شباهت به نظریه هانا آرنت دارد.

هانا آرنت درباره رفتار سیاسی و مشارکت سیاسی می‌گوید که فعالیت‌های انسان‌ها به سه حوزه تقسیم می‌شود. حوزه اول، حوزه «رنج» است که شامل نیازهای شکمی و زیستی می‌شود. انسان کارهایی انجام می‌دهد و فعالیت‌های اقتصادی برای زنده ماندن خود انجام می‌کند.

بخش دوم، فعالیت‌هایی است که برای رفع نیازهای بدنی و تنش نیست؛ مانند فعالیت‌های هنری شامل نقاشی، مجسمه‌سازی و موسیقی. آرنت می‌گوید چه حوزه اول یعنی رنج و چه حوزه دوم یعنی «کار»، انسان به طور منزوی و تنها نیز می‌تواند این کارها را انجام دهد و این دو حوزه، حوزه سیاست نیستند.

حوزه سوم، حوزه سیاست و حوزه عمل است. آرنت معتقد است انسان در این حوزه، فعالیت‌هایی انجام می‌دهد که در جمع صورت می‌گیرد و موجب رشد و شکوفایی او می‌شود. در واقع انسان به معنای واقعی در این قسمت سوم، خود را نشان می‌دهد.

نهادینه‌سازی انتخابات در ایران نیازمند الهیات سیاسی شیعه

آقای دکتر خرمشاد: ما وقتی از نهاد انتخابات در جمهوری اسلامی صحبت می‌کنیم، منظور شکل‌گیری نهادی است در جامعه‌ای که پیش از آن تجربه انتخابات نداشته است. نهادینه کردن این پدیده در جامعه ایران، شبیه خود انقلاب اسلامی بود که نیاز داشت ایدئولوژی به میدان آید تا قاطبه مردم ایران آن را بفهمند، با آن ارتباط داشته باشند و آن را زیسته باشند تا بتوانند به نام آن ایدئولوژی بسیج شوند. آن ایدئولوژی عبارت بود از اسلام یا به تعبیر امروزی، اسلام سیاسی. در دوره پس از انقلاب نیز در موضوع انتخابات، الهیات سیاسی شیعه می‌بایست بسیج می‌شد تا می‌توانست این پدیده را جا بیندازد.

کارآمدی الهیات سیاسی شیعه در گفتمان‌سازی انتخاباتی توسط امام شهید

از آنجا که امام شهید (قدس الله نفسه الزکیه) هم در جایگاه ایدئولوگ و هم در مقام رهبر اجرایی ظاهر می‌شدند، توفیق ایشان در خلق واژگان برآمده از الهیات سیاسی شیعه که برای توده‌های مردم قابل ادراک و پذیرش بود، بسیار چشمگیر می‌نماید. واژگانی نظیر «شب قدر سیاسی» که از جانب ایشان مورد اشاره قرار

می‌گرفت، به سرعت در میان افکار عمومی جای می‌گرفت. این مفاهیم، مشابه تقابل نمادین «امام حسین علیه‌السلام و یزید» عمل می‌کنند. به محض آنکه گفته می‌شود طرفی امام حسین (ع) است، مخاطب بدون نیاز به توضیح اضافه، تمامی دلالت‌های معنایی قضیه را درک می‌نماید و طرف مقابل را در قامت یزید می‌شناسد. در اینجا نیز تعبیر «شب قدر» چنان بار معنایی وسیعی ایجاد می‌کند که مخاطبان به طور خودانگاشته بقیه ابعاد موضوع را استنباط می‌کنند و فرایند درک بدون نیاز به شرح و بسط اضافی طی می‌گردد.

تلفیق نظریه و عمل سیاسی معجزه‌آسای امام شهید

از جمله توانمندی‌های ایشان این بود که توانستند با تسلط بر اندیشه سیاسی شیعه در جایگاه یک ایدئولوگ و نیز به عنوان رهبر اجرایی که تجربیات ناشی از آزمون و خطاهای رخ داده را در اختیار داشتند، این دو عرصه را با یکدیگر درآمیزند. یکی از اقدامات ایشان که به هر حال می‌توان آن را از جمله کارهای معجزه‌آسا محسوب نمود، دقیقاً در همین راستا بوده است.

ضرورت کاربست ادبیات دینی در نهادهای سازی انتخابات در جامعه مذهبی

در کشوری که تجربه پیشینی از انتخابات نداشته و جامعه‌ای مذهبی است، به کارگیری ادبیات سکولار برای نهادهای سازی و ایجاد فضا و عمق‌بخشی به این مسئله امکان‌پذیر نیست. شاید یکی از کاستی‌های دوستان سکولار به اصطلاح روشنفکر، عدم درک همین مسئله باشد. این همان گره کوری است که ایشان از درک آن ناتوانند، چنانکه مولانا در شعر مشهور خود بدان اشاره کرده است.

به هر حال در چنین وضعیتی، به فردی نیاز است که با بهره‌گیری از توانمندی دوگانه (نظری و اجرایی) بتواند امر را پیش ببرد و به نظر می‌رسد ایشان در این زمینه توفیق فراوانی داشتند. همان‌گونه که بدون اسلام، انقلاب در ایران امکان نداشت، بدون اسلام نیز پایداری جمهوریت و دموکراسی ناممکن می‌بود. این کشور، دموکراسی خود را از مسیر مردم‌سالاری دینی می‌گذراند.

نقش محوری مردم‌سالاری دینی و امام شهید در نهادهای سازی انتخابات پس از انقلاب

به طور طبیعی قائل به این نکته نیستم که حتی اگر قرار بر استقرار دموکراسی سکولار نیز باشد، در مرحله نخست بتواند دموکراسی سکولار محقق شود. چه آنکه چنین دموکراسی اگر بخواهد سکولار باشد، دچار پوکی و ناپایداری می‌گردد و اساساً پیوندی با بستر جامعه برقرار نمی‌کند. آنچه این پیوند را ایجاد نموده، همانا مردم‌سالاری دینی و شخصیت امام شهید (قدس‌الله نفس‌الزکیه) است که ایشان به طور هم‌زمان از صیغه‌ای قوی در عرصه روشنفکری، عالم دینی و رهبری اجرایی برخوردار بوده‌اند. در اینجا به زعم خود باید تأکید نمود که چگونه امام شهید با تلفیق این ویژگی‌های ممتاز، توانستند مسئله انتخابات را در ایران پس از انقلاب

نهادینه سازند. در حالی که پیش از انقلاب، انتخابات در ایران به معنای واقعی نهادینه نبود، لیکن پس از انقلاب و با تدابیر ایشان، انتخابات به یک نهاد تثبیت شده در نظام جمهوری اسلامی ایران بدل گردید.

آقای دکتر اسلامی

نگاه عمیق امام شهید به نقش محوری مردم در انقلاب و نظام

اصولاً می توان گفت مردم در پیروزی انقلاب همواره نقش اصلی را ایفا نمودند. در کتابی که به خاطرات مبارزاتی امام شهید (قدس الله نفسه الزکیه) پیش از انقلاب اختصاص دارد، این نکته مشهود است که ایشان تأکید جدی بر نزدیکی به مردم، گفتگو با ایشان و تبیین موضوعات داشتند. مردم به عنوان محور مبارزات پیش از انقلاب، همواره مورد توجه رهبران انقلاب از جمله امام شهید (قدس الله نفسه الزکیه) بوده اند. نگاهی که رهبر شهید انقلاب به مردم داشتند، نگاهی بسیار عمیق و فراتر از رویکردی سطحی بود. به نظر می رسد ایشان از ابتدا با همین نگاه رشد یافتند و تا پیروزی انقلاب، سپس احراز مسئولیت ریاست جمهوری و در نهایت تصدی مقام رهبری، این نگاه را نه تنها حفظ نمودند، بلکه عمق آن هر روز فزونی یافته است.

اصالت احترام به مردم

یکی از گزاره هایی که در مدت ها پیش از شهادت ایشان و همچنین در این ایام مطالعه کردم و بارها آن را به خوبی حس نمودم، این است که نوع نگاه ایشان به مردم، همواره توأم با احترامی عمیق، صادقانه و اصیل بوده است. فرقی نمی کرد که در شرایطی همچون دوران تبعید در یک روستای محروم از استان های دورافتاده به سر می بردند (مثلاً در فضای فکری دهه پنجاه) یا اینک در جایگاه رهبر یک کشور و یک قدرت منطقه ای قرار دارند. این عمق و شدت حرمت گذاری به مردم، همواره به یک منوال باقی مانده است. این ویژگی ارزشمند، در متون مرتبط با سیره ایشان و همچنین در رویه عملی شان به وضوح قابل مشاهده و درک است.

تداوم نگاه اصیل امام به مردم؛ از نقش آفرینی پیش از انقلاب تا آخرین سخن

حتی در دوره پیش از انقلاب و در آستانه فروپاشی نظام شاهنشاهی، عاملی که منجر به پیروزی شد جز حضور گسترده و نقش آفرینی فعال مردم نبود. این رویه در تمام سال های رهبری امام شهید (قدس الله نفسه الزکیه) نیز تداوم یافت. ایشان همواره با نهایت احترام به مردم می نگریستند و عمیقاً معتقد بودند که مردم آگاه، بصیر، رصدگر، شاداب، دارای تحلیل و همواره هوشیار هستند.

این اصول اساسی در نگاه ایشان به مردم ایران همواره وجود داشته و در جای جای سخنانشان به وضوح دیده می شود. حتی جمله معروفی که اخیراً از ایشان شنیدیم - و چه بسا از آخرین سخنان ایشان بوده باشد -

که فرمودند: «اگر برای این مملکت مشکلی پیش بیاید، همین مردم هستند که مبعوث خواهند شد»، گویای همین باور عمیق و نگاه اصیل ایشان به جایگاه مردم است.

چگالی کلام در اندیشه یک ایدئولوگ

در منظومه فکری یک ایدئولوگ، همواره می‌توان نگاهی عمیق و ریشه‌دار مشاهده کرد؛ اما آنجا که این عمق در قالب کلامی با چگالی بالا و نهایت ایجاز خلاصه می‌شود، جوهره اصلی آن اندیشه هویدا می‌گردد. اگر قائل باشیم که فردی با دانشی گسترده، آگاهی عمیق و احاطه کامل بر محیط پیرامون خود، در موقعیتی که می‌بایست به کوتاه‌ترین و پرمغزترین شکل ممکن سخن بگوید، جمله کلیدی «اگر مشکلی برای مملکت پیش بیاید، همین مردم مبعوث می‌شوند» را بر زبان می‌آورد، در این صورت این جمله نه یک شعار عادی، بلکه تجلی نگاه بنیادین او به مردم است.

امروزه، نزدیک به پنجاه روز پس از آن سخن، به درستی شاهد حضور خودجوش مردم در کف خیابان‌ها هستیم؛ حضور فعال و سازمان‌یافته‌ای که پیشاپیش نه متکی به سازوکار یک ارگان خاص و نه نیازمند فراخوان تشکیلاتی از سوی نهادی مشخص بوده است. مردم خود آمدند. این صحنه عینی، بی‌اختیار انسان را به یاد جمله معروف بنیان‌گذار انقلاب اسلامی مرحوم امام خمینی (ره) می‌اندازد که فرمودند: «هر جا مشکلی داشتید، مردم را به صحنه بیاورید، مشکل حل می‌شود».

این تطابق و تداوم نگاه، حکایت از آن دارد که آن عمق نظر و احترام اصیل به مردم، از ابتدای مسیر در اندیشه امام شهید (قدس الله نفسه الزکیه) شکل گرفته و تا انتها و تا روز شهادت ایشان استمرار یافته است. این نگاه، یک اصل راهبردی فرازمانی و فرامکانی و نه یک تاکتیک مقطعی بوده است.

تداوم رویکرد امام؛ مردم، پیش‌برنده مملکت و ادامه‌دهنده انقلاب

نکته بعدی که می‌تواند مقدمه بحث قرار گیرد، این است که امام شهید (قدس الله نفسه الزکیه) با همین رویکرد، همواره با همین مردم سخن می‌گفته است. نگاهی که ایشان در ایام مبارزات پیش از انقلاب داشتند، دقیقاً همان نگاه را در دوره‌های بعدی - چه در دوران ریاست جمهوری و چه در دوران رهبری - نیز ادامه دادند. مخاطب ایشان همواره مردم بودند و آنان را صاحبان اصلی این مملکت می‌دانستند. عمق اعتقاد امام چنین بود که مردم را پیش‌برنده کار مملکت می‌دیدند؛ با این باور که اگر مردم را داشته باشی، خود مردم مسیر انقلاب را ادامه خواهند داد. این نکته، نکته‌ای کاملاً درست و قابل تأمل است.

نهادسازی به سبک انقلاب اسلامی

حتی در همان فرض مقدمه‌ای که به آن اشاره شد، عبارت «نهاد مردم» در قانون اساسی به کار رفته است. گویی کلیت مردم ایران به مثابه یک رکن از ارکان جمهوری اسلامی ایران درآمده، قطبی شده و به یک نهاد مستقل تبدیل گشته است؛ به نحوی که استمرار انقلاب در گرو همین مردم تعریف می‌شود.

ممکن است تصور کنید که انقلاب‌های دیگر یا نظام‌های سیاسی و ساختارهای رقیب، نهادسازی را به شکل دیگری تعریف می‌کنند. برای نمونه، یکی از مباحث اصلی در نظام بین‌الملل پس از جنگ جهانی دوم، اقدام آمریکایی‌ها در تأسیس نهادهایی نظیر صندوق بین‌المللی پول (IMF) و بانک جهانی (World Bank) بود. هدف آنان از این نظام‌سازی، تسری و بسط حوزه نفوذ و هژمونی خود در جهان بود. در مقابل، در جمهوری اسلامی ایران، خود «مردم» به عنوان یک نهاد و رکن اساسی تلقی شده‌اند؛ نه به مثابه ابزاری، بلکه به عنوان هدف و نیز عامل اصلی تداوم بخش انقلاب.

درک عمیق امام شهید از جایگاه مردم

حال فرض را بر این بگذارید که اکنون در شرایطی قرار گرفته‌ایم که رهبر ما به شهادت رسیده است. از سوی دیگر، تجاوزی جدی از جانب قدرتی مانند آمریکا و قدرت دیگری همچون رژیم صهیونیستی صورت گرفته، حمله کرده‌اند و امام (قدس‌الله نفسه‌الزکیه) را به شهادت رسانده‌اند. مسئولین، مردم و سایر ارکان نظام نیز در این شرایط حضور دارند؛ اما نکته حائز اهمیت این است که این رکن مهم در نظام جمهوری اسلامی ایران - یعنی مردم - همچنان در حال مقاومت است. حتی تأثیر این رکن به حدی است که مسئولین را به سمتی سوق می‌دهد که دچار نگرانی می‌شوند مبدا نکته‌ای بگویند که خدای ناکرده زیر سؤال بروند؛ به این معنا که احساس می‌کنند ممکن است حرفی اشتباه زده باشند یا حرکت و رفتاری از آنان سر زده باشد که مورد پذیرش نباشد. این واقعیت به وضوح نشان می‌دهد که رهبر شهید انقلاب (قدس‌الله نفسه‌الزکیه) به خوبی جایگاه مردم را درک کرده بود و عمیقاً معتقد بود که مردم با توکل و ایمان به خداوند متعال، قادر خواهند بود همه مشکلات را پشت سر بگذارند.

ادبیات غنی رهبر شهید انقلاب در حوزه انتخابات

اما در حوزه انتخابات، امام شهید (قدس‌الله نفسه‌الزکیه) دارای ادبیاتی بسیار غنی و پرمایه هستند. ایشان اصولاً حضور مردم در صحنه‌های انتخاباتی را عاملی بسیار مهم و تعیین‌کننده می‌دانستند. از نگاه ایشان، انتخابات نخست مأیوس‌کننده دشمن است، سپس پیشرفت کشور را به دنبال دارد، آینده‌ای درخشان را رقم می‌زند و طراوت و نشاط را به جامعه می‌بخشد. در جای‌جای بیانات ایشان، عبارتی عمیق و قابل تأمل به

چشم می خورد. امام شهید (قدس الله نفسه الزکیه) اشاره می کند که «انتخابات می تواند نظام جمهوری اسلامی ایران را جوان تر از آنچه که هست بکند». این جمله نشان می دهد که ایشان حتی از مجرای انتخابات نیز به دنبال آن هستند که همین جمهوری اسلامی ایران پویاتر، بانشاطتر و جوان تر شود. اینچنین است که می توان دریافت چه میزان بر انتخابات تأکید داشتند و نقش مردم در ادبیات فکری امام شهید (قدس الله نفسه الزکیه) چه جایگاه والایی دارد.

نقش مردم در انتخاب رهبر

حتی در جای دیگری، رهبر شهید انقلاب به نکته ظریف و عمیقی اشاره دارند که مردم در انتخاب رهبر نیز نقش دارند. اگرچه جایگاه رهبری یک منصب الهی است و تابع ملاک های الهی، معنوی و واقعی می باشد، اما باز این مردم هستند که از طریق مجلس خبرگان -که منتخب آنان است- این نقش را ایفا می کنند.

نکته جالب تر آنکه ایشان اشاره می کنند که خدا نیز باید بپذیرد و مردم نیز باید بپذیرند. وقتی مردم می پذیرند و انتخاب مجلس خبرگان را تأیید می کنند، به تعبیری خداوند نیز با آن رهبر خواهد بود. هرچند این مطلب به صورت مبهمی بیان شده، اما بر اساس همین گزاره از امام شهید (قدس الله نفسه الزکیه)، می توان دریافت که نقش مردم در انتخاب رهبر -به واسطه رأیی که به مجلس خبرگان می دهند و سپس پذیرش مردمی آن انتخاب- چه نکته کلیدی و تعیین کننده ای است.

این مطلب در همین ایام به خوبی قابل مشاهده است. انتخاب رهبر سوم، حضرت آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه ای (مدظله العالی)، کاملاً با پذیرش مردم مواجه شده است. این پذیرش مردمی، بار دیگر همان سیل خروشان کنشگری مردم در انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی را نشان می دهد. گویی باز هم این مردم هستند که مسیر را ادامه می دهند و هیچ گونه مواجهه یا تقابل و گسستی با انتخاب رهبر در مجلس خبرگان پیدا نمی کنند.

تداوم روش؛ مردم، فصل مشترک همه تحولات

این نکته، همان نکته ای است که در زمان حیات امام خمینی (ره) بسیار مورد بحث قرار می گرفت و بسیاری می پرسیدند که پس از امام (ره) چه خواهد شد و آینده نظام به کجا خواهد انجامید؛ اما پس از رحلت امام و با حضور امام شهید در مسند رهبری، مشاهده کردید که مردم با چه استقبال پرشور و گسترده ای از ایشان پذیرایی کردند. این ویژگی مهم و تعیین کننده، اکنون در دوره جدید نیز کاملاً قابل مشاهده است؛ یعنی همان پذیرش مردمی و همان حضور خودجوش و همان حس تداوم و پیوستگی، مجدداً در حال شکل گیری و تجلی است.

نهادینه سازی انتخابات در اندیشه امام شهید

اما پایه گذاری ای که امام شهید (قدس الله نفسه الزکیه) در حوزه انتخابات انجام دادند، به نظر من در دو محور قابل تحلیل است:

نخست، ایشان برای انتخابات اهمیتی قائل بودند که این اهمیت، در جملات و ادبیات موجود به وضوح دیده می شود و نهایتاً به این سمت پیش می رود که انتخابات در ایران نهادینه شود.

دوم، بر اساس اصل یکصد و دهم قانون اساسی (بند یک)، امام شهید دستور می دهند و هجده بند «سیاست های کلی انتخابات» توسط ایشان ابلاغ می شود. در این سیاست های کلی، به دنبال آن هستند که انتخابات را به مثابه یک نهاد یا به تعبیری یک رکن اساسی برای انتقال مفاهیم بلند انقلاب در آینده ببینند؛ چراکه خط مشی می دهند و سیاست را تعریف می کنند.

عدالت انتخاباتی در اندیشه امام شهید

در آن سیاست های کلی انتخابات، ما هفت محور را مشاهده می کنیم. محور اول، عدالت انتخاباتی است؛ تأکیدی که امام شهید (قدس الله نفسه الزکیه) در حوزه عدالت دارند. برای مثال، در انتخابات سال ۱۴۰۲ (مجلس دوازدهم)، یکی از بندهایی که به قانون اضافه شد، این بود که نامزدهایی که توان مالی ندارند - در مقابل آن دسته از نامزدهایی که تمکن مالی دارند و به راحتی می توانند سالن بگیرند و تبلیغات داشته باشند - بتوانند از امکانات دستگاه های اجرایی دولت بهره مند شوند تا خلأ عدالت در حوزه تبلیغات تا حدودی جبران گردد. ما این هدف را در آن انتخابات محقق کردیم. بر اساس ماده ۷۴ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، کل ظرفیت دستگاه های دولتی را پای کار آوردیم برای آن دسته از نامزدهایی که جایی نداشتند، سالی نداشتند. بالاخره یک سالن ارشاد، یک سالن ورزشی، یا یک مکان مناسب در اختیارشان قرار دادیم تا طرفدارانشان بتوانند در آنجا به راحتی حضور پیدا کنند.

شفافیت انتخاباتی

نکته دیگر، محور دوم از سیاست های کلی انتخابات یعنی شفافیت انتخاباتی است که موضوعی بسیار مهم و تعیین کننده محسوب می شود. در همین راستا، قانون شفافیت مالی را مشاهده می کنیم که تأثیری انکارناپذیر دارد. پرسش اساسی این است که این پول انتخابات از کجا تأمین می شود و در کجا هزینه می گردد. این مسائل باید در قالب یک سامانه شفافیت، تعریف و تبیین شده و تحت نظارت قرار گیرد.

اخلاق انتخاباتی

محور دیگر، اخلاق انتخاباتی است. همان‌طور که اشاره شد، انتخابات در جمهوری اسلامی ایران با انتخابات در سایر کشورها تفاوت بنیادین دارد؛ به جهت همین نگاه‌های خدایی و الهی که در ذات نظام اسلامی نهفته است. در این چارچوب، بر اخلاق انتخاباتی تأکید ویژه‌ای می‌شود. رعایت اخلاق، پرهیز از هرگونه توهین به رقبا، حفظ کرامت انسانی و پایبندی به ارزش‌های دینی و اخلاقی در تمام مراحل رقابت انتخاباتی، از الزاماتی است که امام شهید (قدس‌الله نفسه‌الزکیه) همواره بر آن تأکید داشتند.

فرهنگ انتخاباتی

فرهنگ انتخاباتی محور دیگر است که این هم نکته مهمی است.

مشارکت انتخاباتی

نکته بعدی مشارکت انتخاباتی است در این بندهایی که اشاره شد بحث مشارکت و بحث نظارت بحث مهمی است.

قوانین انتخاباتی

و محور آخر قوانین است که این هفت محور در این سیاست‌های کلی ابلاغ شد.

نهادینه‌سازی انتخابات

در نهایت، هریک از این محورهای هفت‌گانه، توسط نهادهای متولی به پیش برده شد. برخی از این محورها توسط مجلس شورای اسلامی در قالب قوانین مصوب، برخی توسط شورای نگهبان در چارچوب نظارت شرعی و قانونی و برخی دیگر نیز توسط سایر نهادهای مسئول، سازماندهی و پیگیری گردید. این فرآیند منسجم و هماهنگ، موجب شد که نظام انتخاباتی کشور به شکل قابل توجهی نظام‌مند و پخته شود. به تعبیری دقیق‌تر، مجموعه این تلاش‌ها و محورهای هفت‌گانه، به عنوان ابزارها و زیرساخت‌های اصلی برای نهادینه‌سازی انتخابات در جمهوری اسلامی ایران مورد استفاده قرار گرفت و ثمره آن را می‌توان در استحکام، شفافیت و مقبولیت روزافزون فرآیندهای انتخاباتی مشاهده کرد.

چهار رویکرد امام شهید در انتخابات ۱۴۰۲

در کنار این ابلاغ سیاست‌های کلی، آن چهار رویکرد معروف که امام شهید (قدس‌الله نفسه‌الزکیه) در سال ۱۴۰۲ مطرح کردند – یعنی در انتهای سال، در اسفندماه ۱۴۰۲ که ما انتخابات مجلس و خبرگان را داشتیم – ایشان از ابتدای سال، یعنی در فروردین‌ماه، آمدند و آن چهار رویکرد معروف که عبارت بودند از «سلامت، رقابت، مشارکت و امنیت» را مطرح کردند و دسته‌بندی نمودند. هم برای مجری تعریف کردند و هم برای

ناظر، بر اساس این رویکردهای چهارگانه؛ و این همان چیزی بود که به دنبال آن بودند که به هر حال انتخابات در کشور جمهوری اسلامی ایران مهم است. لایله‌القدر نظام جمهوری اسلامی ایران انتخابات است. به همین جهت می‌بایست بر اساس این رویکردهای چهارگانه، همه دستگاه‌ها تنظیم باشند؛ اعم از مجری، ناظر، مراجع استعلام‌شونده، مراجع امنیتی و انتظامی، احزاب، گروه‌ها و جریان‌ها تا این نظام انتخاباتی به درستی کار خود را جلو ببرد و پیش ببرد و مردم نیز انتخابات را به عنوان یک دغدغه در جمهوری اسلامی ایران تعریف نکنند.

نقش جمهوری اسلامی در نهادهای سازی انتخابات

همان‌طور که اشاره شد، مردم در زمان شاه، تجربه انتخاباتی نهادهای نداشتند. در این نظام جمهوری اسلامی است که انتخابات، بیش از چهل و اندی انتخابات در طول همین چهل و هفت سال برگزار شده است. این خود نشان‌دهنده این هست که جمهوری اسلامی و رهبری جمهوری اسلامی به دنبال این بوده‌اند که از انتخابات، نقش مردم را پررنگ ببینند و کار را به صورت سامان‌یافته دنبال نکنند.

سلامت انتخابات در کلام امام شهید

حتی در جایی که بحث سلامت انتخابات یا انحراف در انتخابات از سوی دشمنان مطرح شد، ایشان ورود پیدا کرده و اشاره فرمودند: «مگر ممکن است در انتخابات جمهوری اسلامی، کسی به خود حق بدهد یا جرئت کند که آرای مردم را دست‌کاری نماید؟ شورای نگهبان ناظر است، وزارت کشور اطمینان داده است، خود من نیز مواظب هستم و اجازه نخواهم داد که کسی به خود حق بدهد تقلبی در انتخابات - که یک عمل خلاف شرع و عملی خلاف اخلاق سیاسی و اجتماعی است - انجام دهد. چنین کاری هرگز نخواهد شد».

یعنی حتی بر اساس همان مقدمه‌ای که اشاره شد، امام شهید (قدس‌الله نفسه‌الزکیه) به دنبال این بودند که حضور مردم را در انتخابات، مؤثراً نهادهای ببینند. بالاترین رکوردی که در انتخابات شکل گرفت، انتخابات با حضور بالای هشتاد و چهار درصد مردم است. اینجا به هر حال دشمنان احساس خطر کردند. بالاخره این یکی از افتخارات جمهوری اسلامی ایران است که این نهاد انتخابات و رکن انتخابات دارد کار می‌کند در کل این منطقه سرآمده است. به همین جهت آمدند و دوباره تأکید کردند برای اینکه همین رکن را حفظ نکنند، با همان ابلاغ سیاست‌های کلی و با همان رویکردهای چهارگانه‌ای که هم مسئولین و هم مردم را خطاب قرار دادند، باز به حفظ نهاد و نهادهای سازی انتخابات اهمیت دادند.

انتخابات؛ تجلی‌گاه استقلال و آزادی در اندیشه امام شهید

به نظر می‌رسد که امام شهید (قدس‌الله نفسه‌الزکیه) در حوزه انتخابات، پیگیر اهدافی چندگانه بودند. این اهداف را می‌توان به مثابه خروجی‌هایی در نظر گرفت که ایشان در طول سالیان تجربه خود از آن بهره‌مند

شدند. نخست آنکه، انتخابات پرشوری که شکل می‌گیرد، در حقیقت عین استقلال و آزادی است؛ به عبارت دیگر، امام شهید همواره در پی آن بودند که استقلال و آزادی را از دل انتخابات مشاهده کرده و آن دو را در فرآیند انتخاباتی متجلی ببینند.

انتخابات؛ عرصه خدمت نه کسب قدرت

نکته بعدی آنکه، ایشان انتخابات را عرصه‌ای برای «خدمت» می‌دانستند، نه کسب «قدرت». تمام صحبت متفاوتی که رهبری در حوزه انتخابات ایران نسبت به انتخابات سایر کشورها دارند، همین است. در آنجا، انتخابات به هر حال برای قدرت است؛ یک گروه می‌خواهد به قدرت برسد؛ اما اینجا، انتخابات برای خدمت است. فرد آمده است که خدمت بکند. بر اساس این دیدگاه یا این دکترین، ایشان کار می‌کند.

انتخابات؛ ابزار قدرت، اقتدار و اعتبار ملی از نگاه امام شهید

نکته بعدی آنکه، انتخابات را ابزار قدرت ملی، اقتدار ملی و اعتبار ملی می‌دانستند و تأکید جدی روی همین عرصه‌ها داشتند؛ یعنی هم قدرت ملی، هم اقتدار ملی، هم اعتبار ملی در گرو این است که مشارکت بالا برود که اگر این مشارکت بالا برای جمهوری اسلامی یا برای ایران بیاید، الان شما کاملاً این را در صحنه می‌بینید. در این پنجاه روز، کاملاً بر اساس همان تحلیل درست، یارگیری کردند.

انتخابات؛ عرصه ظهور وحدت عقلانیت و شعور ملی

یک هدف دیگر نیز عرصه ظهور وحدت عقلانیت و شعور ملی است. این‌ها نیز از دل انتخابات شکل می‌گیرد. انتخابات در کشور، این خروجی‌ها را در بردارد؛ انسجام‌بخشی‌هایی که در انتخابات می‌تواند شکل بگیرد.

انتقال نسلی و گردش نخبگانی؛ دو هدف راهبردی انتخابات در اندیشه امام شهید

یکی از نکات جدی و بنیادین در میان اهداف مدنظر امام شهید (قدس الله نفسه الزکیه) از انتخابات، موضوع انتقال نسلی و گردش نخبگانی است. ایشان در چند نوبه صراحتاً اشاره فرموده‌اند که جمهوری اسلامی ایران، نظامی موروثی نیست. این نظام، ماهیتاً انتخاباتی است؛ این انتخابات است که مسئولان را تعیین می‌کند و آنان را بر مسند قدرت می‌نشانند. از این رو، هیچ‌گونه نگاه موروثی در کار نبوده و گردش نخبگانی نیز صرفاً از مسیر انتخابات محقق می‌گردد.

تبیین نگاه عمیق امام شهید به مردم

و به هر حال می‌شود گفت که این مجموعه ادبیات امام شهید(قدس‌الله نفسه‌الزکیه) در حوزه نقش مردم و انتخابات، به نظر می‌رسد که یک ادبیات درست، یک نظریه درست، یک اندیشه درست، به همراه یک رویه اجرایی درست بوده است که بر آن تأکید داشتند.

حالا باز برمی‌گردم به همین نکته که انصافاً رهبر شهید انقلاب در حوزه نگاه به مردم -چه در انتخابات و چه خارج از انتخابات به تعبیری- نگاهی بسیار عمیق داشتند و این نگاه عمیق باعث شده است که انتخابات و یا حضور مردم در صحنه‌های مختلف، اعم از راهپیمایی، اعم از تظاهرات، یا همین شرایطی که در آن هستیم، کاملاً مشهود باشد.

آقای دکتر سرپرست سادات

امانت الهی و حق‌الناس؛ فراتر از استعاره، بنیانی برای نظریه‌پردازی سیاسی

در راستای همین عنوان که نقش امام شهید(قدس‌الله نفسه‌الزکیه) در تثبیت نهادهای انتخاباتی است، من بیشتر علاقه‌مند هستم دو مفهوم را مورد استدلال قرار دهم. دو مفهومی که مد نظر من است: نخست، امانت الهی بودن رأی مردم است. دوم، حفظ امانت در این مسئله را امام شهید به تعبیر «حق‌الناس» فرمودند.

با تأمل در سیره سیاسی و گفتارهای امام شهید(قدس‌الله نفسه‌الزکیه)، می‌توان این دو مفهوم را به خوبی تبیین نمود. در اینجا پرسشی بنیادین مطرح می‌شود: آیا تعبیری از قبیل «امانت الهی بودن رأی مردم» و «حق‌الناس» در اندیشه امام فقید و شهیدمان، صرفاً تعبیری استعاری هستند؟ از یک سو، استعاره می‌تواند ابزاری برای بسط معنا و فراهم آوردن بستری برای مفهوم‌سازی‌های جدید به کار رود. از سوی دیگر، استعاره گاه صرفاً ابزاری برای ساده‌سازی است تا مفاهیم سیاسی و اجتماعی -که گاه بسیار پیچیده نیز هستند- به زبانی آسان و قابل فهم برای عموم ارائه گردند.

پرسش اساسی آن است که این تعبیر در کدام یک از این دو دسته جای می‌گیرند و آیا فراتر از یک استعاره ساده، می‌توانند بنیانی برای نظریه‌پردازی سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران محسوب گردند.

امانت بودن رأی مردم و تبعات فقهی آن

لذا می‌توان این پرسش را مطرح کرد که آیا امانت تعبیر شدن آراء مردم، صرفاً تعبیری استعاری در جهت تبیین این مقوله بوده است یا مثلاً برای ایجاد حساسیت بیشتر در این راستا؟ و یا حقیقتاً این آراء خلق‌الله،

امانتی حقیقی است و بنابراین دارای تبعات جدی فقهی، فقه سیاسی و فقه حکومتی می‌شود؟ و در واقع این امانت آنگاه منتسب به شرع مقدس نیز می‌شود؟

مطالعاتی مشابه این، سابقاً انجام شده است. یک محقق، عین این پرسش‌ها را در آموزه‌های نهج‌البلاغه به کار بسته است. استاد برزگر عزیز، سابقاً مقاله‌ای را با عنوان «دولت و استعاره امانت در مردم‌سالاری دینی» نگارش فرموده‌اند. ما نیز در ضمن همین مطالعات و همین توجهات، این پرسش‌ها را در مورد اندیشه و نظر امام شهید پیش می‌کشیم.

اهمیت این نوع مطالعات، خب، سیره‌شناسی است؛ شناخت تبیینی اندیشه‌های رهبران انقلاب است که سرمایه‌ای برای ادامه راه نظام مقدس اسلامی می‌باشد؛ و البته اگر گزاره شرعی نتیجه این مقایسه باشد، خب، حراست از آراء مردم، اهمیت فوق‌العاده‌ای پیدا می‌کند.

ضمن اینکه ایده امانت و حق‌الناس، قابل ارائه در سطح اندیشه‌های جهانی نیز هست. چرا که امانت، وفاداری، وفا به عهد و امانت‌داری، این‌ها مستظهر به پشتیبانی اخلاق هستند و یک امر انسانی، عقلی و فطری نیز خواهند بود.

از امانت در اسلام تا خیانت در نظم امروز جهانی

در کلمات نورانی حضرت امیر(ع)، امانت اصل و اساس نظام امت تلقی شده است. ایشان فرموده‌اند: «الامانه نظام للامه و طاعته تعظیم للامامه»؛ یعنی امانت، نظام‌بخش امت است و اطاعت از آن، بزرگداشت امامت را در پی دارد. این نظام امت و امامت در حکمت ۲۵۲ نهج‌البلاغه، به عنوان نظام امانت و اطاعت تعبیر فرموده‌اند.

در نامه ۵۳ نیز تأکید می‌فرمایند: «جان خود را سپر پیمان خود گردان و آنچه بر عهده گرفتی امانت‌دار باش؛ چرا که هیچ یک از واجبات الهی همانند وفای به عهد نیست.» تا آنجا که ایشان می‌فرمایند: «مشرکان دوران جاهلیت نیز بر عهد و پیمان خود با مسلمانان وفادار بودند.» البته در سیاست امروز جهانی، این ائتلاف استعماری (اپستین)، چهره آن مشرکان جاهلیت را نیز سیاه کرده است. این حجم بدبینی که نسبت به روش این جریان‌ها در خیانت به دیپلماسی، شلیک به مذاکره و نظایر آن وجود دارد، انصافاً در تاریخ احتمالاً نظیر ندارد. از این منظر نیز موضوع قابل مطالعه است.

امانت الهی بودن رأی مردم

خب، فرضیه ما این است که امانت الهی بودن رأی مردم و حفظ این امانت به عنوان حق الناس، جدا از اینکه می تواند یک تبیین استعاری باشد، اما در نگرش امام شهید (قدس الله نفسه الزکیه) کاملاً پایه های اعتقادی و شرعی دارد؛ یعنی هم پایه کلامی و هم پایه فقهی دارد. خود کلمات نورانی امام شهیدمان و سیره سیاسی ایشان گواه همین معناست؛ و اگر ما بتوانیم این مباحثات را به این معنا ادامه دهیم، طبیعتاً تعمیق و تثبیت نهادهای انتخاباتی توسط امام شهیدمان را در واقع به دست می آوریم.

حکومت، امانتی الهی؛ نگاهی به مبانی کلامی در اندیشه امام شهید

چند استدلال در تائید این فرضیه هم ارائه می کنم:

نخست آنکه، خود حکومت یک امانت الهی است. به نظر من چهارده استدلال در این زمینه وجود دارد که سعی می کنم به صورت تیتروار و مختصر به آنها اشاره کنم:

اولاً، خود حکومت امانتی الهی است. در اندیشه رهبری نیز حاکمیت را از آن خدا می دانیم. جریان بخشی به این حاکمیت، به رسول و اولی الامر تفویض شده است. خداوند فرموده: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ». تکرار واژه «أَطِيعُوا» درباره رسول، به این معناست که پیغمبر صرفاً بیان کننده دستورات الهی نیست، بلکه فرامین او - از باب «النَّبِيُّ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ» و به ویژه تصمیمات سیاسی، دستورات سیاسی و حکومتی او - از باب اطاعت، هم وزن دستورات الهی است.

عدم تکرار «أَطِيعُوا» درباره اولی الامر نیز به این معناست که باز دستورات اولی الامر نیز هم وزن دستورات رسول در فقره اطاعت است؛ و البته چون «أَطِيعُوا» مطلق آمده است، از اطلاق نص نیز می توانیم دریافت کنیم که اولی الامر نیز همچون رسول باید معصوم باشند؛ و الا وجهی ندارد این اطلاق نص؛ که این مباحث در جای خودش قابل بررسی و گفتگو است.

فقیه عادل؛ امانت دار حاکمیت در غیبت

در زمان انسداد علم، یعنی روزگاری که دسترسی به معصوم علیه السلام میسر نیست و جامعه در عصر غیبت به سر می برد، نزدیک ترین فرد به معصوم، کسی است که بتواند جریان بخشی به حاکمیت الهی را عهده دار گردد. اگر پیش تر از معصوم به دلیل علم و عصمتش اطاعت می کردیم، در دوران غیبت، نزدیک ترین فرد به او کسی است که دو ویژگی اساسی داشته باشد:

نخست، علم و فقاها - که فراتر از معنای صرفاً حوزوی آن، به معنای اسلام‌شناسی جامع و شامل زمان‌شناسی، قدرت تدبیر و سیاست‌مداری است. دوم، عصمت - که برای غیرمعصوم، همان عدالت است؛ بنابراین، نظریه تأسیسی عالمان شیعی در عصر غیبت بر این مبنا استوار است که یک فقیه عادل - با تمام ویژگی‌های یادشده - می‌تواند جریان حاکمیت الهی را سامان بخشد.

حال، از آنجا که اساس حکومت در این نگرش، امانتی الهی تلقی می‌شود، رأی مردم نیز که یکی از مکانیزم‌های همین حکومت امانی به شمار می‌رود، به طریق اولی مشمول عنوان امانت خواهد بود؛ بنابراین، تعبیر از رأی مردم به عنوان «امانت» امری غریب و دور از انتظار نخواهد بود، بلکه کاملاً منطبق با مبانی نظری یادشده است.

امانت رأی مردم؛ نقطه عطف حقوق سیاسی ایران

بنابراین، تعبیر «امانت» برای رأی مردم، صرفاً یک بیان فقهی نیست، بلکه اصلاً یک داستان کلامی و بازتعریفی عمیق از ماهیت حق الهی محسوب می‌شود. طبیعتاً در این صورت، هرگونه سهل‌انگاری یا خدشه‌دار شدن آن، تجاوز به حق شرعی و قانونی به شمار خواهد آمد. این بحث به نوبه خود، یک نقطه عطف در تاریخ سیاسی ایران و حقوق سیاسی ایرانیان محسوب می‌شود که می‌تواند محل گفتگو و بسط نظری قرار گیرد.

حکومت؛ امانت مردمی

دوم: حکومت، امانت مردمی نیز هست. خداوند انسان را آزاد و مسلط بر سرنوشت خویش آفریده است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ». وقتی در نظریه مرحوم نائینی، صحبت از «شستن دست نجس کنیز سیاه» می‌شود، این شستشو و طهارت به دلیل احیای اندیشه «مردم» و «مردمی دانستن حکومت» و با مشروط کردن سلطنت‌انگاری تحقق پیدا می‌کرد. این توجه به مردم و این تأیید مردم را طبیعتاً در کلمات قائد شهیدمان نیز مرتب می‌بینیم. تفصیل این معنا را می‌توانیم در آن سخنرانی ناظر به بزرگداشت مرحوم نائینی نیز مشاهده کنیم.

و لذا در اندیشه امام شهید، مشروعیت - جدا از آن جنبه الهی - مردم‌پایه نیز هست؛ یعنی رأی مردم واقعاً مداخلیت دارد؛ هم در اساس مشروعیت و هم به تعبیر خود ایشان که این اصلاً سنجاق نشده و چسبیده نشده، بلکه یک مقوله‌ای از درون اسلام و جوشش مکتبی ماست؛ بنابراین خود ایشان نیز همواره به این مقوله و باور به این معنا، مشارکت و حضور مردم را در صحنه‌ها و عرصه‌ها خواستار می‌شدند.

اعطای مسئولیت؛ اعطای امانت در جمهوری اسلامی ایران

سوم: اعطای مسئولیت را در جمهوری اسلامی، اعطای امانت می‌دانستند. این امر، هم از باب «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ» است و هم از باب اینکه دستور قرآنی است که «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا»؛ یعنی امانت باید در دست اهل خود قرار گیرد. ایشان همواره به این معنا تأکید می‌فرمودند که این وجهه امانت را باز تصدیق می‌کند.

دعوت به مشارکت حداکثری

چهارم: سخنرانی‌های بسیاری که ایشان برای بصیرت‌افزایی و روشنگری داشتند و دعوت به مشارکت حداکثری در انتخابات -حالا آقای دکتر برزگر نیز فرمودند حضور شخص معظم‌له در اولین ساعات برگزاری انتخابات برای انداختن رأی خود در صندوق- خود همین مشارکت مستقیم ایشان و همه این دعوت‌ها و مباحثات، نشان می‌دهد که این سازوکار بسیار جدی، بسیار شرعی، بسیار معروف و بسیار امانت است؛ و لذا اهمیت انتخابات در سیره معظم‌له را نشان می‌دهد. زمانی که این فرآیند و جدیت آن معقول و شرعی باشد، در واقع باوری عمیق به سلامت آن نیز وجود داشته باشد که ایشان در واقع انتخابات در جمهوری اسلامی و سلامت آن را گواهی هم می‌فرمودند.

تقویت نهادهای انتخاباتی در سیره امام شهید

پنجم: تقویت جایگاه نهادهای انتخاباتی و سازوکارهای آن، چه اهمیت مجلس به عنوان نماد اراده ملت، چه انتخابات ریاست‌جمهوری، چه اهمیت شورای نگهبان، چه اهمیت تبلیغات و کاری که رسانه‌ها انجام می‌دهند و چه حمایتی که از مسئولین داشتند که می‌فرمودند «ما به این مسئولین اعتماد داریم» و چه عدم موافقت با لغو یا تعویق هیچ انتخاباتی در کشور در دوره رهبری ایشان -ولو اینکه این خواسته در تحصن گروهی از نمایندگان مجلس (در داستان مجلس ششم) نیز مطرح شده باشد- حالا پیش‌تر نیز به زمان جنگ اشاره فرمودند که حضرت امام (ره) عیناً همین تقویت را نسبت به این جایگاه و این عرصه داشتند.

هدایت‌های انتخاباتی امام شهید

مورد ششم: هدایت‌های انتخاباتی ایشان بسیار مهم است؛ بیان معیارها، بیان معیار انتخاب صالح. هیچ‌گاه شخصی را توصیه نکردند، اشخاصی را توصیه نمودند. همواره معیارها را بیان می‌فرمودند و در واقع همین تربیت بین امامت و امت و این کمال، چنین اتفاق می‌افتاد.

صیانت از رأی مردم در بزنگاه‌های تاریخی

مورد هفتم: ایشان در بزنگاه‌های حساس انتخاباتی، همواره پای رأی مردم ایستادند، از آن صیانت فرمودند و برای حل مسئله تلاش کردند. بدین‌سان، توانستند ما را از برخی حوادث مهم تاریخی از جمله انتخابات سال ۱۳۸۸ عبور دهند.

در واقع، انتخابات ۱۳۸۸ را می‌توان به این‌گونه تفسیر کرد که امام شهید (قدس‌الله نفسه‌الزکیه) یک تنه از جمهوریت نظام دفاع کردند. گرچه منشأ اصلی مسئولیت ایشان، حفظ اسلامیت نظام است، اما دست‌کم در این واقعه می‌توان مشاهده کرد که ایشان به تنهایی - به ویژه با توجه به همه فراز و نشیب‌های آن سال - پای جمهوریت نظام نیز ایستادند. حتی در برابر طرح ابطال انتخابات، چنان تعبیری به کار بردند که فرمودند: «می‌خواهند بزنند به دهان مردم»؛ این بیان، به روشنی نشان‌دهنده عمق پایمردی ایشان در صیانت از رأی ملت است.

البته این موضع‌گیری تنها به سال ۱۳۸۸ محدود نمی‌شود. برای نمونه، در دوره‌ای که آقای خاتمی با بیش از بیست میلیون رأی پیروز شد، نیز فشارها و داعیه‌هایی از جنس همان عصبانیت‌ها و مطالبات وجود داشت. در آن مقطع، یکی از مسئولان عالی‌رتبه ظاهراً خواهان ابطال انتخابات شد که ایشان در پاسخ فرمودند: «من چنان تشری زدم که بین من و او هنوز هم اصلاح نشده است.» این نیز نکته بسیار مهمی است که شایسته بسط و تأمل بیشتر می‌باشد.

تکثر سیاسی و رقابت؛ بستر تحقق معنادار انتخابات و حق رأی مردم

مورد هشتم: باور عمیق به رقابت سیاسی، حق رأی را با تکثر سیاسی معنا پیدا می‌کند. انتخابات، در بستر تنوع سلاقی و رقابت‌های جریان‌های سیاسی معنادار می‌شود. اصلاً اگر این نباشد، امکان انتخاب واقعی برای مردم پیش نمی‌آید. خب، ایشان این بستر را فراهم دیده‌اند. در قانون اساسی ما، با به رسمیت شناخته شدن احزاب، تشکلهای و جریان‌های سیاسی، این زمینه مهیا شده است؛ و واقعاً هم این به دلیل آن است که نه نظام، نه قانون اساسی و نه رهبران، هیچ‌کدام رأی مردم را تشریفاتی نمی‌دانند، بلکه آن را ابزاری واقعی برای تعیین مسیر اداره کشور محسوب می‌کنند.

تعادل و پویایی نظام سیاسی در اندیشه امام شهید

ما در اندیشه رهبر شهید (قدس‌الله نفسه‌الزکیه) نیز می‌توانیم همین را شاهد باشیم. ایشان تعادل و پویایی نظام سیاسی را مرهون همین رقابت‌ها می‌دانستند. مشارکت سیاسی حداکثری را در واقع از ارکان جمهوریت و مایه اقتدار ملی اعلام می‌فرمودند.

یک نمونه از این موارد - که من دیدم برخی از نویسندگان نیز به آن توجه کرده بودند - خود بیان گفتگویی است که ایشان با آقای خاتمی داشته‌اند که فرموده بودند: «اگر امروز یک جریان چپ در کشور وجود نداشت، من لازم می‌داشتم یک جریان چپ به وجود بیاورم.» خب، این نشان می‌دهد که چقدر اعتقاد به اداره و تدبیر کشور با پویایی، با تضارب آراء، با چندصدایی و چند فکری، در واقع این اعتقاد عمیق ایشان بوده است؛ یا وقتی آقای خاتمی و آقای موسوی و خوئینی‌ها به ایشان مراجعه می‌کنند که این راستی‌ها می‌گویند «رهبری مال ماست»، ایشان فرموده بودند: «خب، علاجش این است که شما هم بروید بگویند رهبری مال ماست. مگر من می‌آیم انکار بکنم؟» و مسلماً انکار نمی‌کنم؛ و این یعنی چه؟ یعنی مخالفت با انحصار قدرت و نفی مالکیت جناحی بر نهادهای کلان کشور.

مردم‌سالاری دینی؛ بستر وفاق و سرمایه اجتماعی

مورد نهم: ترجمان عملی جمهوری اسلامی ایران، همان مردم‌سالاری دینی است. تقویت این ایده از دهه هفتاد به بعد، گویای همان تنوع‌گرایی و تحکیم بنیان‌های مردم‌سالاری در نظام اسلامی می‌باشد. خود مردم‌سالاری دینی، بستر حضور همه گرایش‌هایی است که به اصول قانون اساسی وفادارند. این حضور در همه عرصه‌ها و حوزه‌های اداره و تدبیر کشور جاری و ساری است. چنین مردم‌سالاری، به روشنی موجب افزایش سرمایه اجتماعی و ارتقای کارآمدی نظام می‌گردد.

احکام امام شهید؛ تجلی بهره‌گیری از جریان‌های مختلف سیاسی

مورد دهم: احکامی که امام شهیدمان برای افراد صادر فرموده‌اند - به ویژه احکام انتصاب در مجمع تشخیص مصلحت نظام - از این منظر قابل مطالعه است که ایشان افرادی از جریان‌های مختلف سیاسی را منصوب می‌فرمودند.

دعوت همگانی به انتخابات

مورد یازدهم: دعوت از همگان - حتی کسانی که نظام را قبول نداشتند - برای مشارکت در انتخابات که دوستان نیز به آن اشاره فرمودند، این هم تقویت جمهوریت نظام است و هم اینکه حق را برای همه قائل است. ثمره این رویکرد، اعتبار و حیثیت ملی و تقویت بعد دموکراتیک نظام سیاسی حاکم در ایران امروز می‌باشد.

دفاع از حق مشارکت سیاسی زنان

مورد دوازدهم: دفاع همیشگی از حق مشارکت سیاسی زنان به عنوان یک مؤلفه مستقل است. با وجود چالش‌هایی که همواره وجود داشته، با افتخار می‌توان گفت که نظام و انقلاب اسلامی توانست این مسئله را

حل بکند. این دستاورد، مدیون نظرات امامین انقلاب است که حقوق همه‌جانبه زنان در جامعه را اساسی می‌دانستند و حتی الزام شرعی زنان را در حمایت و مشارکت در نظام اسلامی مورد تأکید قرار می‌دادند.

اجرای قانون اساسی؛ مبنای عمل امام شهید

مورد سیزدهم: من اشاره‌ام به قانون اساسی است. طبیعتاً ایشان مجری قانون اساسی هستند و چون عمل رهبری بر پایه آن است، خب معلوم است که این باید به رسمیت شناخته می‌شد و کما اینکه شده بود.

جایگاه انتخابی ولایت فقیه

مورد چهاردهم: خود جایگاه ولایت فقیه، به عنوان جایگاهی انتخابی محسوب می‌شود. هرچند در فرآیند یک انتخابات غیرمستقیم، اما در نهایت با رأی و نظر مردم است که رهبر نیز انتخاب می‌شود. این نیز نشان می‌دهد که در چنین فضایی و بستری، رأی مردم کاملاً جدی، امانت و شرعی است.

اجتهاد پویا و تثبیت نهادهای انتخاباتی؛ تأیید فرضیه امانت شرعی رأی مردم

در پرتو اجتهاد پویای امام شهیدمان، می‌توانیم ادعا کنیم که اندیشه ایشان در مورد مشروعیت الهی، مشروعیت مردمی، مقبولیت مردمی، باور به مشارکت سیاسی مردم، ضرورت مشارکت دادن آنان در اداره جامعه به عنوان حق و تکلیف، نقد و نظارت بر حاکمان و مسئولان و خود بستر مردم‌سالاری دینی - به شکل جمع همه این مفردات در کنار یکدیگر - ما را به این نتیجه می‌رساند که فرضیه ما تأیید می‌شود.

به این معنا که جدا از جنبه‌های استعاری و تبیین‌کننده امانت دانستن رأی مردم و حق‌الناس تلقی کردن آن، این مفاهیم کاملاً جنبه‌های شرعی، الهی، کلامی و فقهی دارند. اگر تفصیل این مفردات را مستند به کلمات نورانی ایشان عرضه کنیم این نقش امام شهیدمان را در تثبیت نهادهای انتخاباتی از یک بعد، دست کم بیان می‌کند.